

السُّنَّةُ الْوَاضِحَةُ

يا

روشن روشن

در وظایف زمان غیبت

مهدی مهدوی

الله

السنة الواضحة
يا
روشن روشن

در وظایف زمان غیبه

مهدی مهدوی



-
- ◆ نام کتاب : روش روشن (السنة الواضحة)
 - ◆ مؤلف : مهدی مهدوی
 - ◆ ناشر: انتشارات معصومین (ع)
 - ◆ چاپ : صدر
 - ◆ ناظر چاپ: حسن خرسندی
 - ◆ تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
 - ◆ نوبت چاپ: دوم - پاییز ۱۳۸۷
 - ◆ قیمت: ۱۲۰۰ تومان
 - ◆ شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۸۵-۵۲-۴

مرکز پخش:

قم: خیابان ارم، زیرزمین داروخانه نصر، تلفن ۷۷۴۳۰۶۹ - ۰۹۱۲۴۵۲۴۸۸۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال مولانا زين العابدين على بن الحسين عليه السلام :
إن للقائم منا غيبتين إحداهما أطول من الأخرى ...
وأما الأخرى فيطول أمدها حتى يرجع عن هذا الامر
أكثر من يقول به ، فلا يثبت عليه إلا من قوي يقينه ،
وصحت معرفته ، ولم يجد في نفسه حرجاً مما قضينا ،
وسلم لنا أهل البيت .

امام سجاده عليه السلام فرمود: قائم آل محمد عليه السلام دو غیبت
دارد که یکی از دیگری طولانی تر است ... غیبت دوم
آن قدر طول می کشد که بسیاری از شیعیان از دین
و عقیده خویش برمی گردند و ثابت نخواهد ماند مگر
کسی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشد،
و پذیرفتن حکم ما بر او دشوار نیاید، و تسلیم ما
اهل بیت باشد.

كمال الدين ۳۲۴-۳۲۳، بحار ۵۱: ۱۳۴، اثبات الهداة ۳: ۴۶۷.

تقدیم به

پیشگاه با عظمت کریمه اهل بیت

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بانوی بزرگواری که در سایه لطف او به این خدمت ناچیز

موفق گردیدم .

مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين ، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
واللعن على أعدائهم أجمعين الى يوم الدين .

از کلمات گهربار خاندان عصمت عليهم السلام استفاده می شود کسانی که
در زمان غیبت ثابت قدم باشند از دیگران - یعنی کسانی که زمان
حضور اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند بلکه از یاران خود امام زمان عليه السلام هم -
بهتر و با فضیلت تر هستند.

امیرمؤمنان درباره آنها عبارت «اولئك خيار هذه الامة»^۱ را به کار
برده اند، یعنی: آنها بهترین افراد این امت هستند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: یا علی! شگفت ترین مردم در ایمان، و با
عظمت ترین آنها از جهت یقین، مردمانی هستند در آخر الزمان که
پیامبر را ندیده و حجت هم از میان آنها غایب شده، و به سیاهی بر
سفیدی (یعنی نوشته هایی بر روی کاغذ که قرآن و روایات باشد)
ایمان آورند.^۲

آن حضرت به اصحاب خویش فرمود: زمانی آید که برای هر یک

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۴۲، ۴۶۲، ۵۱۶.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۵۲.

از آنها پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود، اصحاب (با تعجب) گفتند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و احد و حنین با شما بودیم و آیات قرآن درباره ما نازل شد. حضرت فرمود: مشکلاتی که آنها تحمل می‌کنند شما تاب و توان آن را نداشته و صبر و بردباری آنها را شما ندارید.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب دو مرتبه به درگاه الهی عرضه داشت: خدایا برادران مرا به من نشان ده! اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید، برادران من گروهی هستند که در آخر الزمان بدون اینکه مرا دیده باشند به من ایمان آورند، خدا آنها را با نام خود و پدرانشان - پیش از آنکه از صلب پدر و رحم مادر خارج شوند - به من معرفی نموده است، یک نفر از آنان در پایداری در دین از کسی می‌خواهد در شب تار خارهای قتاد را با دست بچیند، یا کسی که اخگر آتش را مُشت کرده در دست نگهدارد، سخت‌تر ایستادگی می‌نماید، آنان چراغ تاریکی‌ها هستند که خدا از هر فتنه تار و ظلمانی نجاتشان بخشد.^۲

عمار سباطی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا عبادت با امامی که در زمان دولت باطل مخفی است، فضیلتش بیشتر است یا پس از ظهور و با امام ظاهر از شما خاندان؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنانکه صدقه مخفیانه از صدقه آشکارا افضل است، همچنین عبادت مخفیانه شما

۱. خرائج ۳: ۱۱۴۹، مکیال المکارم ۲: ۲۹۱.

۲. بحار ۵۲: ۱۲۳-۱۲۴.

با امام مستور و مخفی در زمان دولت باطل افضل است؛ زیرا شما از دشمن خائف و هراسان هستید و در حال خوف و خطر نسبت به خودتان و امامتان بسر می‌برید، و اعمال خویش را در حال تقیه بجا می‌آورید... و این با عبادت در حال امن و آسایش زمان دولت حق تفاوت بسیار دارد... مؤمنی که کارهایش را نیکو بجا آورد، و مراعات تقیه نموده و زبان خویش را حفظ کند، خدا پاداش حسنات او را چندین برابر - به مراتب بسیار - عطا کند... شما از آن‌ها سبقت گرفتید بر عبادت مخفیانه خداوند همراه با امام مخفی، و از او اطاعت کردید، با او در راه خدا صبر پیشه نمودید، انتظار دولت حق را کشیدید، بر امامتان و خودتان از پادشاهان ترسیدید، حق امامتان و حق خودتان را در دست ستمگران دیدید که نگذاشتند به شما برسند. عمار پرسید: پس دیگر وجهی ندارد که ما آرزو کنیم از اصحاب قائم آل محمد علیهم‌السلام باشیم چون الان فضیلت ما بیشتر است.

حضرت فرمود: سبحان الله! دوست ندارید خداوند حق و عدالت را در بلاد ظاهر سازد؟! (نمی‌خواهی) حال همه مردم نیکو شود، خدا اختلاف را از میان بردارد دلها به یکدیگر مهربان شده (کینه و دشمنی از میان برداشته شود)، کسی در زمین نافرمانی خدا نکند، حدود الهی در میان خلق بپا داشته شود، و حق به اهلش بازگردد تا چیزی از حق از ترس کسی پنهان نباشد؟!!

به خدا سوگند ای عمار! هر کس از شیعیان در این حالی که شما بر آن هستید از دنیا برود نزد خدا از بسیاری از شهدای بدر و احد

فضیلتش بیشتر است.^۱

امام سجاده علیه السلام فرمود: کسی که در زمان غیبت بر ولایت ما ثابت بماند، خدا به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت خواهد فرمود.^۲

امام عسکری از امام هادی علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: گروهی از علما و دانشمندان پس از غایب شدن قائم آل محمد علیه السلام مردم را به سوی آن حضرت دعوت نموده و آنها را به شناخت آن امام همام راهنمایی می‌کنند و از دین با دلایل الهی دفاع می‌نمایند، و بندگان ضعیف خدا را از دام‌ها و تله‌های شیاطین و نواصب نجات می‌دهند، اگر آنها نبودند هیچ کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند و همه مرتد می‌شدند، ولی آنها هستند که زمام دل‌های ضعیفان شیعه را نگه می‌دارند (و از تزلزل آنها جلوگیری می‌کنند) مانند ناخدایی که سُکَّان کشتی را نگه داشته (و مانع غرق شدن آن می‌شود) «أولئك هم الأفضلون عند الله» یعنی: آنها نزد خدا از همه برتر هستند.^۳

۱. کافی ۱: ۳۳۳-۳۳۵، کمال الدین ۲: ۶۴۶-۶۴۷، بحار ۵۲: ۱۲۷-۱۲۸.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۶۷.

۳. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام ۳۴۵؛ احتجاج ۱: ۱۰ و ۲: ۲۶۰؛ بحار ۲: ۶. و در ضمن روایات خواهد آمد که:

اهل زمان غیبت که اعتقاد به امامت آن حضرت داشته و انتظار ظهور را می‌کشند از بقیه دوران‌ها برتر و فضیلتشان بیشتر است.

آن زمان بندگان به خدا نزدیک‌تر و تقرب آنها نزد او بیشتر و خدا از آنها راضی‌تر و خشنودتر است.

اهل نجات

ولی در روایات آمده است که در هنگام قیام امام زمان علیه السلام مردم در غفلت به سر می‌برند، حق و حقیقت را به کلی به دست فراموشی سپرده‌اند، و جور و ستم به صورت علنی همه جا را فرا گرفته باشد،^۱ و امت‌ها به گمراهی کشانده شوند،^۲ از زمان غیبت به گاه حیرت و سردرگمی و سرگردانی تعبیر شده،^۳ چندین برابر سرگردانی و گمراهی بنی اسرائیل،^۴ آن هم به صورتی ناگوار و فراگیر که هیچ پناهی باقی نماند،^۵ مانند گله سرگردانی که دنبال چراگاه است ولی هرچه می‌گردد و می‌چرخد و می‌تازد راه به جایی نمی‌برد،^۶ به نحوی که احدی نمی‌تواند (حقیقتاً) بگوید «خدا» مگر مخفیانه!^۷ تا جایی که مؤمنین هم از عقیده خویش دست بردارند،^۸ و جز افراد بسیار اندک - که از کبریت احمر هم نایاب‌تر باشند^۹ - بر ایمان و اعتقاد به امامت آن

و خدای تعالی آنها را ندا کند که: ... شما بندگان و کنیزان واقعی من هستید.

و برای برخی پاداش پنجاه صدیق مؤمن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده‌اند، خواهد بود.

۱. بحار ۵۱: ۱۲۰.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۶۰، ۴۶۱.

۳. بحار ۵۱: ۱۱۰، ۱۱۸.

۴. بحار ۵۱: ۱۲۳، ۱۱۱.

۵. بحار ۵۱: ۱۰۸ - ۱۰۹، ۱۵۵، ۲۸۹: ۵۲.

۶. بحار ۵۱: ۱۰۹ - ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۹ - ۱۲۰.

۷. بحار ۵۱: ۱۱۷.

۸. اثبات الهداة ۳: ۴۷۶.

۹. اثبات الهداة ۳: ۴۶۴.

حضرت باقی نخواهند ماند.^۱

فقط کسانی اهل نجات هستند که در عالم ذرّ و میثاق (به پیمان ولایت پاسخ مثبت داده و) خداوند از آنها عهد بر ولایت گرفته باشد، و در دل‌های آنان ایمان را ثبت کرده، و با روح^۲ خویش آنها را تأیید نموده باشد.^۳

کسانی که خداوند خود آنها را حفظ کند،^۴ و بر اعتقاد به امامت آن

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۹۹، ۵۰۰.

تذکر این نکته مناسب است که تمامی فتنه‌هایی که انسان گرفتار آن شده و باعث انحراف او می‌شود، ناشی از میل و علاقه به دنیا است، در حدیث قدسی آمده: «بدان که بذر هر فتنه‌ای دوستی دنیا است».

و محبت و شوق به مظاهر مادی نتیجه وا گذاشته شدن انسان به خویشتن است که خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرماید: «اگر تو را به خود واگذار نمایم محبت دنیا و زیبایی‌های آن بر تو غالب شود».

(مراجعة کنید به کافی ۲: ۱۳۵، بحار ۷۰: ۷۳، ۱۰۵، مستدرک ۱۲: ۳۷)

و باز توجه به این نکته خالی از لطف نیست که از کلام امیرمؤمنان علیه السلام استفاده می‌شود: منشأ فتنه‌ها پیروی از هواهای نفسانی و نوآوری در احکام و قوانین است که بر خلاف حکمی خدا جعل شود و برخی از برخی دیگر در آن پیروی نمایند و حق و باطل آمیخته به یکدیگر عرضه شود، و بدین سان شیطان دوستانش را گمراه سازد.

(مراجعة کنید به بحار ۲: ۲۹۰)

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: روح از مخلوقات خداوند است، (و مقصود از آن) نصرت، یاری، تأیید، قدرت و قوتی است که خداوند در دل پیامبران علیهم السلام و مؤمنین قرار می‌دهد. (بحار ۴: ۱۳)

۳. اثبات الهداة ۳: ۴۸۰، ۴۸۸، و مراجعه شود به ۴۴۴، ۴۷۳، ۵۱۲، ۵۳۶، ۵۸۳.

۴. اثبات الهداة ۳: ۴۸۲.

حضرت ثابت بدارد، و به آنها توفیق دعا برای تعجیل فرج عنایت نماید.^۱

آنهایی که به آیات الهی معتقد، در مواسات با برادران دینی کوشا، و یکدیگر را به ثابت ماندن بر اعتقاد به امامت، و صبر و تحمل شداید سفارش نمایند.^۲

مبطلان^۳ هلاک شوند - و بنابر بعضی روایات: به شک و شبهه افتند - و اهل جهل و نادانی به حیرت افتند.^۴

اهل شتاب و عجله نابود،^۵ و کسانی که اهل تسلیم باشند نجات پیدا کنند.^۶

و ابتدای همین نوشتار از امام سجاده علیه السلام گذشت که: ثابت نخواهد ماند مگر کسی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشد، و پذیرفتن

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۸۰.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۲.

۳. واژه مبطلان مفهوم وسیعی دارد که مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد: کسانی که کار باطل و یا کار بی نتیجه انجام می‌دهند.

افرادی که مطلب باطلی را عرضه می‌کنند. (تفسیر غریب القرآن، طریحی ۴۴۶)

هر کسی که از حق عدول کند، اهل باطل باشد، و کار ناحق انجام دهد. (تبیان ۹: ۲۶۱، مجمع البیان ۹: ۱۲۳)

خرابکار، مفسد، اشخاصی که برای نابودی حقیقت اقدام کنند.

آنهایی که مطالب بی اساس می‌گویند. (مفردات راغب ۵۱)

۴. بحار ۵۱: ۱۲، ۱۴۶، ۱۵۸، ۱۶۰ و ۵۲: ۹۵، ۱۴۶.

۵. برای توضیح این قسمت مراجعه شود به صفحه‌های: ۲۰، ۲۵-۲۷.

۶. بحار ۵۱: ۱۵۸.

حکم ما بر او دشوار نیاید، و تسلیم ما باشد.^۱

نوشتار حاضر

درباره تکالیف زمان غیبت آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است، ولی دیرزمانی بود این اندیشه مرا به خود مشغول داشت که مجموعه‌ای کوتاه و گویا از روایاتی که در آن از خصوص وظایف زمان غیبت سخن به میان آمده تهیه نمایم.

پس از جمع‌آوری احادیث مورد نظر و ترجمه آن، نکاتی حائز اهمیت از روایات دیگر به آن افزوده شد و نوشته‌ای که در پیش رو دارید، آماده گردید.

مناسب بود که آدرس‌ها از روش یکسانی برخوردار باشد، ولی به جهت عدم فرصت تتبع و تفحص از بقیه مصادر، در هر قسمت به منابعی که قبلاً مراجعه شده بود، اکتفا نمودیم.

نام این نوشتار برگرفته از فرمایش حضرت است که - بنا بر نقل شیخ طوسی و شیخ طبرسی رحمة الله علیهما - در توفیق شریف از جانب امام زمان علیه السلام آمده است:

«واجعلوا قصدکم إلینا بالمودة علی السنة الواضحة»^۲.

یعنی: آهنگ و قصد محبت به سوی ما را بر سنت و راه و روش واضح قرار دهید.

۱. کمال‌الدین ۳۲۴-۳۲۳، بحار ۵۱: ۱۳۴، اثبات الهداة ۳: ۴۶۷.

۲. کتاب غیبت شیخ طوسی ۲۸۶، احتجاج ۲: ۲۷۹، بحار ۵۳: ۱۷۹.

مطالب در چهار بخش تنظیم شده است:

بخش اول مطالبی که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برای راهنمایی شیعیان و دوستان خویش به عنوان وظایف زمان غیبت ارشاد فرموده‌اند.

بخش دوم بیان چگونگی شناخت امام زمان علیه‌السلام و امتیازاتی که به واسطه آن، حضرت از کسانی که به دروغ ادعای مهدویت کنند، شناخته می‌شود.

بخش سوم بیان علائم ظهور آن گرامی که آن نیز در رسوا کردن مدعیان مهدویت نقش مهمی را ایفا می‌کند، و برای اهل ایمان بسیار اطمینان‌بخش می‌باشد.

بخش چهارم وظایف مربوط به زمان نزدیک ظهور آن حضرت. به امید آنکه این اثر گامی باشد در راه شناخت بیشتر و بهتر حضرت و جلب رضایت آن بزرگوار.

وظایف زمان غیبت

تمسک به امر اول

شاید بارها شنیده‌اید و یا به ذهن خودتان نیز خطور کرده باشد که الان زمان غیبت است و ما که دسترسی به امام زمان علیه السلام نداریم پس از شناخت کامل و دقیق معارف و اصول دین و احکام و فروع آن عاجز و ناتوان می‌باشیم.

همین نکته مورد توجه راویان حدیث و ناقلان اخبار بوده است لذا هنگامی که از غایب شدن امام زمان علیه السلام صحبت می‌شد، از پیشوایان معصوم علیهم السلام سؤال می‌کردند: وظیفه در چنین زمانی چیست؟
در پاسخ می‌شنیدند:

*** تَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ.^۱**

*** فَتَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْآخِرُ.^۲**

۱. کمال‌الدین ۲۴۸، بحار ۵۲: ۱۴۹، در بحار: (حتی یستبقن).

۲. غیبت شیخ نعمانی ۱۵۸، بحار ۵۲: ۱۲۲.

- * تمسکوا بالأمر الأول الذي أنتم عليه حتى يبين لكم.^۱
- * يتعلقون بالأمر الأول حتى يستبين لهم الآخر.^۲
- * فتمسكوا بما في أيديكم حتى يصحّ لكم الأمر.^۳
- * كونوا على ما أنتم عليه حتى يطلع الله لكم نجمكم.^۴
- * كونوا على ما أنتم عليه حتى يأتيكم الله بصاحبها.^۵
- * يتمسكون بالأمر الذي هم عليه حتى يتبين لهم.^۶

یعنی :

- * به امر اول تمسک کنید تا مطلب برای شما روشن شود.
- * به آنچه در دست دارید تمسک کنید تا امر صحیح بر شما ثابت شود.
- * بر آنچه هستید باقی بمانید تا خدا صاحب امر را برساند و ستاره (درخشان امامت) را طالع نماید.
- * بایستی شیعیان بر آنچه هستند ثابت قدم باشند تا مطلب برای آنها روشن گردد.
- علامه مجلسی رحمته الله در توضیح روایات فوق می فرماید: «مقصود از این روایات آن است که در دین خود متزلزل نشوید، و در مقام عمل

۱. غیبت شیخ نعمانی ۱۵۹، بحار ۵۲: ۱۳۳.

۲. کمال الدین ۳۵۱، بحار ۲۷: ۲۹۷، در بحار: (الآخر).

۳. کمال الدین ۳۴۸ - ۳۴۹، کتاب غیبت شیخ نعمانی ۱۵۹، بحار ۵۲: ۱۳۳.

۴. کمال الدین ۳۴۹، غیبت شیخ نعمانی ۱۵۹، بحار ۵۲: ۱۳۴.

۵. غیبت شیخ نعمانی ۱۶۰، بحار ۵۲: ۱۳۴.

۶. الامامة والتبصرة ۱۲۵، کمال الدین ۳۵۰، بحار ۵۲: ۱۴۹.

حیران و سرگردان نباشید، در اصول و فروع دین به آنچه از ائمه اطهار علیهم السلام به شما رسیده تمسک نمایید. مبادا از انجام وظایف خویش دست کشیده و یا از عقیده خودتان دست بردارید، (ثابت قدم باشید) تا آن حضرت ظهور فرماید.

و ممکن است معنای روایات این باشد که اگر کسی ادعا کند: من قائم آل محمد علیهم السلام هستم. نپذیرید تا اینکه با معجزات روشن برای شما معلوم شود که او راست می‌گوید.^۱

به نظر می‌رسد که در روایات گذشته به هر دو معنا اشاره شده و ظاهر بعضی از روایات همان معنای دومی که ایشان ذکر کرده می‌باشد.

و مزید توضیح بنا بر این معنا آن است که ایمان و اعتقاد اجمالی به امام غایب کافی است، راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر من نتوانم (دقیقاً شخص) امام را بشناسم و راهی برای پیدا کردن او نداشته باشم، وظیفه‌ام چیست؟ حضرت فرمود: بگو: «اللهم انی اتولی من بقی من حججک من ولد الإمام الماضی» یعنی: خدایا من ولایت و امامت حجتی که از فرزندان امام معصوم گذشته باقی مانده است پذیرفتم و به آن معتقد هستم. همین اندازه برای تو کافی است.^۲

۱. بحار ۵۲: ۱۳۳.

۲. کافی ۱: ۳۰۹، اعلام الوری ۲۹۷، کمال الدین ۲: ۴۱۵، ۳۴۹، بحار ۲۷: ۲۹۷ و ۴۸: ۱۶ و ۵۲: ۱۴۸ و مراجعه شود به بحار ۵۲: ۱۴۳.

لازم به تذکر است که از تعابیر «تمسکوا بما فی ایدیکم» و مانند آن استفاده می شود که در زمان غیبت - مثل زمان حضور - از پذیرفتن مطالبی که از خاندان عصمت و طهارت نرسیده باشد بایستی خوداری کرد، مانند مطالبی که به عنوان نوآوری و تجدد و روشنفکری مطرح می شود، گرچه گاهی آیات و روایات هم بر طبق آن تفسیر و توجیه گردد.

تحفظ بر حب و بغض

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر روزی پیش آمد که پیشوا و امام از اهل بیت علیهم السلام از چشم شما ناپدید گردید، آنهایی را که دوست داشتی (و مأمور به محبت آنها بودی) دوست بدار، و کسانی را که دشمن و مبعوض داشتی دشمن بدار، و بر ولایت خود نسبت به موالیان خویش (یعنی اهل بیت علیهم السلام) ثابت قدم باش، و هر صبح و شام (چشم به راه مولا و) منتظر فرج باش.^۱

امام کاظم علیه السلام فرمودند: خوشا به حال شیعیان ما، آنهایی که در زمان غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به حبل ولایت ما چنگ زده، بر ولایت ما و برائت از دشمنان ما ثابت قدم باشند. آنها از ما هستند و ما نیز از آنهایم. آنها ما را به عنوان امام پذیرفته و از امامت ما خشنودند، ما نیز آنها را به عنوان شیعه و پیرو پذیرفته و از آنها راضی هستیم. خوشا به حال آنها، آری خوشا به حال آنها! به خدا سوگند، آنها در قیامت در

۱. غیبت شیخ نعمانی ۱۵۸، بحار ۵۲: ۱۳۳.

درجات ما همراه ما هستند.^۱

تمسک به ولایت اهل بیت علیهم السلام

علاوه بر دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام، ولایت یعنی پذیرفتن رهبری و سرپرستی و اعتقاد به امامت آنها نیز از مهمترین فرایض الهی است. امام صادق علیه السلام فرمودند: خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به حبل ولایت ما چنگ زده و پس از هدایت، قلب او از حق منحرف نشده و متمایل به باطل نگردد.^۲

و فرمودند: به خدا سوگند! هیچ کس از گذشتگان و آیندگان - تا قیام قائم آل محمد علیهم السلام - هلاک نشده و نشود مگر به جهت دست برداشتن از ولایت ما و انکار حق ما.^۳

در روایتی که از امام کاظم علیه السلام گذشت نیز این مطلب را مورد تأکید قرار دادند:

اقتدا به امامان معصوم علیهم السلام

اعتقاد شیعه بر آن است که همان‌گونه که بشر به پیامبران الهی نیاز دارد، پس از رحلت آنها به جانشینان معصومی - که از جانب خدا تعیین شده باشند - نیازمند است تا با رهبری آنها سعادت دنیا و آخرت خویش را تأمین کند. جایگاه پیشوای معصوم در جامعه به رایت - یعنی پرچم - تشبیه شده، و امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان

۱. کفایة الأثر ۲۶۹؛ کمال الدین ۲: ۳۶۱؛ بحار ۵۱: ۱۵۱.

۲. بحار ۵۲: ۱۲۳.

۳. کافی ۱: ۴۲۶-۴۲۷، بحار ۲۳: ۳۸۰.

«رایة الهدی» و امامان معصوم علیهم السلام به «أعلام الهدی» و مانند آن معرفی شده‌اند. ناگفته پیداست که دست یافتن به حقیقت و راهیابی به صراط مستقیم جز به پیروی از این پرچم میسر نگردد، نه تخلف از آن رواست و نه پیشی گرفتن بر آن.

خدای تعالی در قرآن فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱ و به ما دستور داده که با راستگویان باشیم، بنا بر روایات مقصود از صادقین امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند^۲، پس بایستی ملازمت و همراهی آنها را اختیار کرده و از تقدم و تأخر از آنان در هر حال اجتناب نماییم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خاندان خویش را به کشتی نوح تشبیه و فرموده:

إنما مثل أهل بيتي [فيكم] كمثل سفينة نوح ، من ركبها نجي ،

ومن تخلف عنها غرق ، ومن تقدمها مرق ، ومن لزمها لحق .^۳

یعنی: خاندان من در میان شما مانند کشتی نوح می‌باشند، تمسک به آنها سبب نجات است، و هر کس از آنها تخلف کند (در گرداب هلاکت) غرق، و آن کس که بر آنها مقدم شود از دین خارج، و ملازم آنها به حقیقت نائل شود.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پرچم حق را در میان ما به جای گذاشت، هر که از آن پیش افتد از دائرة دین بیرون، و کسی که از آن عقب بماند

۱. التوبة (۹): ۱۱۹.

۲. بحار ۲۴: ۲۰-۳۰ باب ۲۶.

۳. احتجاج ۲: ۱۴۷، غیبت شیخ نعمانی ۵۱، بحار ۴۷: ۳۹۹.

هلاک شود، و (فقط) کسی که ملازم آن باشد (به ما) ملحق شود.^۱
 و همین حقیقت در صلوات معروف شعبانیه از امام سجاده علیه السلام نیز آمده که: المتقدّم لهم مارق، والمتخلف عنهم زاهق، واللازم لهم لاحق.^۲
 و این امر اختصاص به زمان حضور ندارد، بلکه از روایات استفاده می شود که در زمان غیبت نیز این تکلیف به حال خود باقی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: خوشا به حال کسی که قائم خاندان مرا درک کند، و در زمان غیبت و پیش از آن که او قیام نماید به او اقتدا و تاسی نماید، و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باشد، چنین کسی از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت نزد من در قیامت می باشد.^۳

و در روایت دیگر فرمودند: هنگامی که بین امت من اختلاف افتد و متفرق شوند، شما از میانه روها باشید، مراقب باشید اهل بیت من چه می کنند: اگر جنگیدند شما هم بجنگید، اگر صلح کردند صلح کنید، و به هر سو مایل شدند همان را انتخاب کنید که در همه امور حق با آنهاست.^۴

۱. نهج البلاغة ۱: ۱۹۳ و مراجعه شود به کمال الدین ۶۵۴، الامامة والتبصرة ۱۳۲، کتاب سلیم بن قیس ۲۵۹، بحار ۲۶: ۲۶۰.

۲. مصباح المتعجد ۴۵، ۳۶۱، ۸۲۸، صحیفه سجادیه ۵۲، مزار ابن مشهدی ۴۰۱، فلاح السائل ۱۴۲، اقبال ۳: ۳۰۰، جمال الأسبوع ۲۵۱، بحار ۸۴: ۶۷ و ۸۷: ۲۰.

۳. کمال الدین ۲۸۶، بحار ۵۱: ۷۲ و ۵۲: ۱۳۰.

۴. کفایة الأثر ۱۸۲، بحار ۳۶: ۳۴۶ (با کمی اختلاف).

هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام از فتنه‌ها سخن می‌گفت، مردی پرسید: در چنین زمانی چه باید کرد؟ حضرت فرمود: به رفتار اهل بیت علیهم السلام نگاه کنید (و از آنها پیروی نمایید)، اگر آنها از قیام خوداری کردند شما هم سکوت کنید، و اگر از شما کمک خواستند آنها را یاری کنید تا مأجور باشید، آنها شما را از طریق هدایت بیرون نخواهند برد، و شما را به پستی (و گمراهی) دعوت نخواهند نمود. از آنها سبقت نگیرید و پیش نیفتید که بلا شما را از پای درآورد و دشمن شاد شوید. و بنا بر روایتی: از آنها پیش نیفتید که گمراه شوید، و عقب نمانید که هلاک گردید.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر و امامان علیهم السلام مقرب‌ترین مردم نزد خدای عزوجل، و در دانش از همه برتر، و مهربان‌ترین مردم نسبت به مردم می‌باشند، پس (آنها را اسوه خویش قرار داده و) در آنچه وارد شدند وارد شوید، و از هر کس فاصله گرفتند جدا شوید، حق با آنهاست، آنان وصی پیامبرند، در همه جا پیرو آنها باشید، اگر روزی پیش آمد که به هیچ یک از آنها دسترسی نداشتید (و در زمان غیبت واقع شدید) از خدای تعالی کمک بخواهید و همان سنت و راه و روشی را که قبلاً بر آن بوده‌اید ادامه دهید و کسانی را که دوست داشتید دوست بدارید و آنهایی را که دشمن داشتید، دشمن بدارید، زود است که فرج حاصل شود.^۲

۱. مراجعه شود به کتاب سلیم بن قیس ۲۵۸، الغارات ۱: ۱۱، ۱۴ و ۲: ۶۷۸، نهج البلاغه ۱: ۱۸۹، نهج السعادة ۸: ۳۸۸، بحار ۳۳: ۳۶۸ و ۴۱: ۳۵۴ و ۵۱: ۱۲۱، وسائل ۱۵: ۵۷.
۲. بحار ۵۱: ۱۳۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: تقوای الهی پیشه سازید و دلسوز خویش باشید، به خدا سوگند اگر کسی چوپانی بهتر از چوپان کنونی اش برای گوسفندان خویش سراغ داشته باشد در واگذار کردن گله به آن کوتاهی نمی کند، (پس چگونه ممکن است خدای تعالی مراعات حال بندگان خویش را ننماید و کسی که اصلح برای رهبری اجتماع است نصب نکند، یا حجة الله علیه السلام صلاح مردم را در قیام تحت لوای کسی بداند ولی نسبت به آن کوتاهی نموده و سهل انگاری ورزد؟! اگر دو جان داشتید، با یکی تجربه می کردید و (هنگامی که در عالم دیگر می فهمیدید بیهوده جان خویش را تلف کرده اید)، با جان دیگر خودتان را نجات می دادید، ولی یک جان بیشتر نیست و با نابودی آن، دیگر جای توبه باقی نخواهد ماند. اگر کسی از خاندان ما قیام کرد ببینید برای چه با او خروج می کنید، نگویند زید هم قیام کرد، او دانشمندی راستگو بود و مردم را به خویش دعوت نکرد، او مردم را به «الرضا من آل محمد علیه السلام» دعوت می نمود اگر پیروز هم می شد به قول خویش وفا می کرد.

کسی که امروز قیام می کند، برای چه قیام می کند؟ اگر می گویند: من دعوت به «الرضا من آل محمد علیه السلام» می کنم، ما شما را گواه می گیریم که ما به قیام او راضی نیستیم، اگر الان که بی یار و یاور است نافرمانی ما کرده و قیام می کند، پس از آنکه مردم اطراف او جمع شدند و پرچمها افراشته شد، دیگر حاضر نخواهد شد که به حرف ما گوش کند، کسی صاحب این امر است که همه بنی فاطمه آن را

بپذیرند.^۱ (یعنی دعوت به «الرضا من آل محمد ﷺ» به این معناست که ما قیام می‌کنیم و سپس هر کسی که آل محمد ﷺ به آن راضی شدند و همگی او را پذیرفتند به عنوان رهبر اجتماع می‌پذیریم، در مورد قیام جناب زید وفای به این دعوت امکان داشت، ولی هنگامی که خود اهل بیت ﷺ اعلام عدم رضایت کنند، و یا وفای به آن وعده امکان نداشته باشد، این دعوت وجهی ندارد).

انتظار فرج

انتظار فرج یکی از ارکان اساسی دین و ایمان است که پیشوایان معصوم ﷺ بر آن تأکید فراوان کرده‌اند.^۲

این واژه مفهوم وسیعی دارد و - چنانکه از روایات متعدد استفاده می‌شود - مطالب گوناگونی را به ما گوشزد می‌نماید:
فراموش نکردن امام زمان ﷺ و ظهور دولت حق به دست آن گرامی،

امیدوار بودن به فرج و مأیوس نشدن از آن به جهت طولانی شدن ایام غیبت،

مهیا شدن و تحصیل آمادگی برای نصرت و یاری حضرت.
راضی بودن به قضای خداوند و تسلیم بودن در برابر حکمت الهی

۱. وسائل ۱۵: ۵۰، و مراجعه شود به علل الشرائع ۲: ۵۷۷-۵۷۸، بحار ۴۶: ۱۷۸ و ۲۲: ۹۷، وسائل ۱۵: ۵۳-۵۴.

۲. الأصول الستة عشر ۷۱، کافی ۲: ۲۲-۲۳، دعوات ۱۳۵، مستدرک ۱: ۷۲، احتجاج ۲: ۵۵، امالی شیخ طوسی ۱۷۹، غیبت شیخ نعمانی ۲۰۰، بحار ۵۲: ۱۴۰ و ۶۶: ۲، ۱۴.

و چون و چرا نکردن،

عجله نداشتن،

ترک قتال با دشمنان قبل از رسیدن زمان آن.

در روایات آمده است: انتظار فرج به صبر نمودن نزد امامان

معصوم علیهم السلام بخشی از دین و عبادت است.^۱

عبدالملک بن عمرو گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: چرا مثل

دیگر هموطنان خویش در جنگ‌های جده، عبادان، مصیبه و قزوین

شرکت نمی‌کنی؟ عرض کردم: من به شما اقتدا می‌کنم و انتظار دولت

شما را می‌کشم (تا شما اهل بیت مبارزات خویش را شروع کنید و من

هم دنباله‌رو شما باشم).

حضرت فرمود: آری، به خدا اگر این کار درستی بود اینها از ما

سبقت نمی‌گرفتند (و حتماً خود ما پیشقدم می‌شدیم).

عرض کردم: زیدیه می‌گویند: تنها اختلاف ما با امام صادق این

است که او جهاد را قبول ندارد. حضرت (با تعجب) فرمود: من جهاد

را قبول ندارم؟! هرگز چنین نیست، من جهاد را جزء دین می‌دانم ولی

حاضر نیستم علم خود را رها کنم و جهل آنها را بپذیرم. (اشاره به

اینکه آنها به جهالت خویش خیال می‌کنند که الان زمان جهاد است و

شرایط آن فراهم شده است، در حالی که من به دانش الهی می‌دانم

چنین نیست، و من مأمور به قیام نیستم، پس روا نیست که من تحت

تأثیر نظریه آنها قرار گیرم و از علم خویش صرف نظر نمایم).^۱
امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر انسان بخواهد کوه‌ها را از جا بکند
آسان‌تر است از اینکه بخواهد حکومتی را که زمان انقضای آن نرسیده
باشد بر هم زند.

از خدا یاری طلبیده و صبر کنید، (حکومت) زمین از آن خداست
و به هر بنده‌ای که بخواهد واگذار می‌کند و سرانجام نیکو از آن
پرهیزکاران است.

قبل از اینکه وقت کار (قیام) برسد عجله نکنید که پشیمان خواهید
شد و زمان (غیبت) را طولانی شمارید که دل‌هایتان را قساوت فرا
خواهد گرفت.^۲

راوی گوید خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: علامت ظهور
چیست؟ حضرت فرمود: آیا ممکن است صبح (طلوع فجر) مخفی
باشد؟ عرض کردم: نه، فرمود: هنگامی که امر ما ظاهر شود از صبح
روشن‌تر و واضح‌تر خواهد بود.... تقوای الهی پیشه کنید و خود را
برای (به حکومت رسیدن) ظالمان به کشتن ندهید.^۳

و همچنین آن حضرت فرمود: رحمت خدا بر بنده‌ای که خویش را
بر ما حبس کند (یعنی خویشتن‌داری کرده و از هر اقدامی خودداری
کند تا اینکه ما امر به جهاد کنیم و آن‌گاه قیام نماید) رحمت خدا بر

۱. کافی ۵: ۱۹، وسائل ۱۵: ۴۶، (اسلامیه ۱۱: ۳۲)، خاتمه مستدرک ۴: ۴۵۱.

۲. تحف العقول ۱۱۲، خصال ۶۲۲، بحار ۱۰: ۱۰۰ و ۵۲: ۱۲۳ و ۷۵: ۸۳.

۳. کافی ۷: ۲۹۷.

کسی که امر ولایت ما را زنده بدارد و احیا کند.^۱
 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی بندگان به خدا نزدیک تر و تقرب
 آنها نزد او بیشتر و خدا از آنها راضی تر و خوشنودتر است که حجة الله از
 میان آنها پنهان گردد و ندانند او کجاست ولی با این حال می دانند که
 زمین بدون حجت نخواهد بود و امامت هیچ گاه باطل نمی شود. در
 چنین زمانی هر صبح و شام منتظر امر فرج باشید.

و بنا بر روایتی: اهل صبر را به تعجیل فرج بشارت ده.^۲
 امام جواد علیه السلام می فرماید: کسی از یکی از پدرانم پرسید: آیا به
 مبارزه دشمن یا مرزرداری بپردازم؟ حضرت در پاسخ او را به حج خانه
 خدا امر فرمود، او پرسش خویش را تکرار و حضرت همان پاسخ را
 تکرار نموده و فرمود: آیا دوست نداری که (بدون هیچ زحمتی به
 زندگی خویش ادامه دهی و) خانواده ات زیر سایه تو معیشت گوارا
 داشته باشند و تو منتظر فرج ما باشی (و خداوند به واسطه همین
 انتظار پاداشی به تو عنایت کند که) اگر ظهور دولت حقه را درک کنی
 مانند کسی باشی که در جنگ بدر محضر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نموده، و
 اگر در حال انتظار بمیری مثل کسی باشی که در خیمه حضرت
 مهدی علیه السلام به خدمتگزاری مشغول است، و با او هیچ تفاوتی نداشته
 باشی؟!^۳

۱. بحار ۵۲: ۱۲۶.

۲. الامامة والتبصرة ۱۲۳، بحار ۵۲: ۱۴۵، ۱۸۵، ۲۰۳.

۳. کافی ۴: ۲۶۰ و ۲۲: ۵، وسائل (اسلامیه) ۱۱: ۳۳.

و فرمود: قائم ما اهل بیت همان مهدی است که در زمان غیبت او انتظار ظهور او، و پس از ظهور فرمان برداری از او واجب است.^۱
امام رضا علیه السلام فرمود:

ما أحسن الصبر وانتظار الفرج ... فعليكم بالصبر فإنه إنما يجيء

الفرج على اليأس ، فقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم.^۲

یعنی: چه نیکوست صبر کردن و انتظار فرج کشیدن! ... بر شما صبر و بردباری لازم است که فرج و گشایش در حال یأس حاصل می شود. امت های گذشته از شما صبرشان بیشتر بوده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که منتظر فرج ما باشد و بر اذیت و آزارهایی که می بیند و ترس و واهمه ای که برایش پیش آید صبر نماید در قیامت در زمرة ما محشور خواهد شد.^۳

امام سجاده علیه السلام فرمود: اهل زمان غیبت امام زمان علیه السلام که اعتقاد به امامت آن حضرت داشته و انتظار ظهور او را می کشند از بقیه دورانها برتر و فضیلتشان بیشتر است، چون خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و درک و فهم و معرفتی به آنها عنایت کرده که زمان غیبت برای آنها مثل زمان حضور است، منزلت آنها مثل کسانی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر کشیده و با دشمنان آن حضرت مبارزه نموده اند،

۱. کمال الدین ۳۷۷، کفایة الأثر ۲۸۱، إعلام الوری ۲: ۲۴۲، خرائج ۳: ۱۱۷۱، بحار ۵۱: ۱۵۶.

۲. کمال الدین ۶۴۵، قرب الاسناد ۳۸۱، بحار ۵۲: ۱۱۰، ۱۲۹.

۳. کافی ۸: ۳۷، بحار ۵۲: ۲۵۶.

آنها مخلصین حقیقی و شیعیان واقعی ما هستند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می نمایند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت در انتظار ظهور او، و پس از ظهور فرمان بردار و مطیع او باشند، آنها اولیاء الله هستند که خوفی بر آنها نیست و محزون نخواهند گشت.^۲

از امام جواد علیه السلام سؤال شد: چرا امام زمان علیه السلام را «منتظر» می نامند؟ حضرت فرمودند: چون او را غیبتی است طولانی که در آن زمان مخلصین انتظار ظهور او را دارند، و اهل شک و شبهه منکر وجود آن حضرت شوند، و منکرین (و بی دینان) نام و یاد او را به استهزا و مسخره گیرند، و گروهی به دروغ برای ظهور وقت تعیین کنند، و کسانی که عجله کنند هلاک شوند،^۳ و اهل تسلیم نجات پیدا کنند.^۴

عبدالحمید واسطی گوید: محضر مبارک امام باقر علیه السلام عرض کردم: انتظار امر فرج کار ما را بدانجا کشانیده که (دلی به کسب و کار نداریم و) بازار را ترک کرده ایم، به حدی که از نیازمندان محسوب می شویم. حضرت فرمود: ای عبدالحمید! آیا خیال می کنی اگر کسی به خاطر

۱. کمال الدین ۳۲۰، إعلام الوری ۲: ۱۹۶، احتجاج ۲: ۵۰، بحار ۳۶: ۳۸۷.

۲. کمال الدین ۳۵۷، بحار ۵۲: ۱۵۰. اشاره به آیه شریفه: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ سورة یونس (۱۰): ۶۲.

۳. برای توضیح این قسمت مراجعه شود به صفحه های: ۲۰، ۲۵-۲۷.

۴. کمال الدین ۳۷۸، إعلام الوری ۲: ۲۴۳، کفاية الأثر ۲۸۳، بحار ۵۱: ۳۰، ۱۵۸.

خدا خویش را محبوس (و محدود) کند، خدای تعالی برای او فرج و گشایشی قرار نمی‌دهد؟ آری به خدا، خدا برای شما چاره‌سازی می‌نماید.^۱

عرض کردم: اگر من قبل از زمان ظهور قائم آل محمد علیه السلام از دنیا رفتم چه؟ حضرت فرمود: کسی که اعتقاد دارد که: اگر قائم آل محمد علیه السلام را درک کنم آن حضرت را یاری خواهم نمود، مانند کسی است که در برابر آن حضرت با شمشیر به جنگ با دشمنان رفته باشد،^۲ و کسی که توفیق شرفیابی محضر آن جناب را درک نماید و همراه حضرت به شهادت رسد پاداش دو شهید دارد.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: بدانید کسی که منتظر امر فرج باشد پاداش روزه‌دار نمازگزار دارد، و اگر قائم آل محمد علیه السلام را درک کرد و توفیق یاری او و کشتن دشمنان نصیب او شد پاداش بیست شهید، و چنانچه

۱. لازم به تذکر است که حضرت اصل انتظار را تأیید می‌فرمایند، و مقصود از «حبس نفس» خوداری از هر اقدامی بدون اذن حجة الله و عدم خروج با زیدیه و امثال آنها می‌باشد. اما بستن مغازه، و دست از کار و کسب کشیدن قطعاً کار درستی نیست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«إن ظننت أن هذا الأمر كائن في غدٍ فلا تدع طلب الرزق، وإن استطعت أن لا تكون كلاً فافعل»، یعنی: اگر گمان کنی که فردا فرج واقع شود، باز (امروز) دست از طلب رزق و روزی برندار و سعی کن سربار دیگران نباشی. کافی ۵: ۷۹، وسائل ۱۷: ۲۶ (اسلامیه ۱۲: ۱۴).

۲. و بنا بر روایت دیگر: و توفیق شهادت در رکاب آن حضرت نصیب او گردد.

۳. محاسن ۱: ۱۷۳.

شهادت در محضر آن حضرت روزی او گردید پاداش بیست و پنج شهید دارد.^۱

سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زیدیه مردمانی هستند مشهور و معروف و با تجربه، و از بین منسوبین به پیامبر صلی الله علیه و آله شما را بیش از دیگران قبول دارند، اگر صلاح می دانید آنها را به حضور پذیرفته و از نزدیکان خویش قرار دهید. حضرت فرمود: ای سلیمان، اگر قرار باشد این نادانان ما را منع کنند از آنچه به علم و دانش الهی می دانیم، و ما را دعوت کنند که آنچه به جهالت بدان معتقدند بپذیریم، ما را با آنها کاری نیست، ولی اگر حاضرند به حرف ما گوش دهند و منتظر فرج باشند اشکالی ندارد (که نزد ما بیایند و از اصحاب ما باشند).^۲

و فرمود: ما اهل بیت را دولتی است که هرگاه خدا بخواهد آن دولت را سرکار خواهد آورد. کسی که دوست دارد از اصحاب قائم آل محمد علیهم السلام باشد بایستی منتظر فرج باشد و در حال انتظار عمل خویش را بر مبنای ورع و رعایت محاسن اخلاق قرار دهد، چنین شخصی اگر قبل از قیام حضرت از دنیا رفت پاداش کسی را دارد که آن حضرت را درک نماید، پس کوشش و جدیت در عمل داشته باشید و منتظر فرج باشید، گوارایتان باد (پاداش عظیم الهی) ای کسانی که

۱. کافی ۲: ۲۲۲، بحار ۷۲: ۷۳. ممکن است اختلاف پاداش در روایات، به جهت

اختلاف مراتب افراد در ایمان، معرفت، سعی و کوشش آنها در راه دین و... باشد.

۲. کافی ۸: ۱۶۰.

مورد رحمت خدای تعالی واقع شده‌اید.^۱

و نیز فرمود: هلاکت مردم فقط به این جهت است که در این امر عجله دارند (و می‌خواهند زود دشمن نابود شود و دولت حق سرکار آید) خدا که به جهت عجله‌بندگان عجله نمی‌کند، این امر (فرج) زمانی دارد که بایستی برسد، هنگامی که وقت آن رسید دیگر پس و پیش نخواهد شد.^۲

فضل کاتب گوید: کسی نامه‌ی ابومسلم خراسانی را تقدیم امام صادق علیه السلام کرد، حضرت فرمود: برای نامه‌ات پاسخی ندارم، از نزد ما بیرون شو! سپس فرمود: خداوند به جهت عجله‌بندگان تعجیل نمی‌کند! کندن کوهی از جایش آسان‌تر است از برهم زدن حکومتی که اجل آن نرسیده باشد. گفتم: برای ظهور علامتی تعیین فرما. فرمود: حرکت مکن تا سفیانی قیام کند، پس از خروج او ما را اجابت کنید. حضرت سه مرتبه این کلام را تکرار کرد و فرمود: خروج سفیانی از علائم حتمی ظهور است.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: تندروها هلاک می‌شوند، راوی پرسید: تندروها چه کسانی هستند؟ فرمود: آنهایی که عجله دارند. مقربین^۴

۱. امالی شیخ طوسی ۱۷۹، غیبت شیخ نعمانی ۲۰۰، بحار ۵۲: ۱۴۰.

۲. کافی ۱: ۳۶۹.

۳. وسائل ۱۵: ۵۲.

۴. علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید: ممکن است «مقربین» به کسر باشد، یعنی کسانی که قائل به نزدیک بودن فرج هستند و امیدوار به قرب آن باشند و برای تعجیل فرج دعا کنند؛ و یا

نجات پیدا می‌کنند ، (فعالاً) حکومت دشمن براساس خویش استوار است. شما در خانه خویش قرار گیرید (و از مبارزه با حاکمان پرهیزید) ، کسی که گرد و خاک بپا کند ، خودش ضررش را می‌بیند و غبارش به چشم خودش می‌نشیند (کنایه از اینکه زیدیه که با بنی‌العباس می‌جنگند ، مقدمات نابودی خودشان را فراهم می‌کنند) هرگاه خلفا بخواهند شما را نابود کنند ، امری برای آنها پیش آمد می‌کند که به آن مشغول (و از شما غافل) گردند مگر آنکه کسی (از شما) متعرض آنها شود.^۱

و فرمود : کسانی که عجله کنند هلاک شوند و اهل تسلیم نجات یابند و بازگشت آنها به سوی ماست.^۲

و درباره آیه شریفه : ﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾^۳ فرمود : امر (قیام) ما ، امر خداوند است که نبایستی در آن عجله کرد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: تا زمین و آسمان آرام است، شما هم آرام گیرید و بر علیه کسی قیام نکنید، امر ظهور و فرج چیز مخفی نیست بلکه از آیات الهی است نه اینکه امری (عادی و) از جانب مردم باشد. از خورشید درخشان‌تر و روشن‌تر است و بر خوب و بد مخفی

به فتح خوانده شود ، یعنی کسانی که به جهت صبر کردن به مقام قرب الهی فایز گشته‌اند.

۱. غیبت شیخ نعمانی ۱۹۶، بحار ۵۲: ۱۳۸.

۲. بحار ۵۲: ۱۴۰.

۳. النحل (۱۶): ۱.

۴. بحار ۵۲: ۱۳۹.

نخواهد ماند، آیا صبح (روشن) را تشخیص می دهید؟ این امر مثل صبح روشنی است که اصلاً بر کسی پوشیده نخواهد ماند.^۱

تقیه

امام صادق علیه السلام فرمود: تا زمانی که حکومت کودکانه است با مردم به ظاهر معاشرت داشته باشید ولی در باطن (در اعتقاد و عمل) با آنها مخالف باشید.^۲

و فرمود: با مردم به نحوی که خودشان صحیح می دانند معاشرت کنید و آنچه باعث انکار آنها شود رها کنید.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بایستی شما در میان مردم مانند زنبور عسل باشید در میان پرندگان، همه پرندگان او را ضعیف می دانند در حالی که اگر می دانستند در جوف او چیست چنین رفتاری با او نداشتند، در ظاهر با مردم معاشرت کنید ولی در اعمال خویش و با دل هایتان از آنها کناره گیری کنید، هر کسی پاداش عمل خودش را می بیند و در قیامت با کسانی که دوست داشته محشور می گردد.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: با نیکان مخفیانه و با بدان علناً معاشرت

۱. بحار ۵۲: ۱۳۹ - ۱۴۰.

۲. کافی ۲: ۲۲۰، الهدایة، شیخ صدوق ۵۲، اعتقادات شیخ مفید ۱۰۹، بحار ۷۲: ۴۲۱، مستدرک ۱۲: ۲۵۴.

۳. بصائر الدرجات ۴۶.

۴. امالی شیخ مفید ۱۳۱، غیبت شیخ نعمانی ۲۵، بحار ۵۲: ۱۱۵ - ۱۱۶ و ۶۱: ۲۳۹ و ۷۲: ۴۱۰.

داشته باشید، مبادا با آنها مخالفت کنید که به شما ستم خواهند کرد. زمانی بر شما خواهد آمد که فقط متدینی اهل نجات است که دیگران او را ابله پندارند و او هم تحمل این مطلب را داشته باشد.^۱

حضرت ثامن الائمه علیه السلام می فرماید: هر کس قبل از قیام امام زمان علیه السلام تقیه را ترک کند از ما نیست.^۲

در برخی از روایات از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت از «تنویه» نهی فرموده‌اند،^۳ تنویه به معنای تشهیر، بالا بردن نام، مدح و ستایش، و با عظمت یاد نمودن می باشد، ممکن است مراد از آن یکی از احتمالات ذیل باشد:

۱. نزد مخالفان شیعه از مشهور کردن حضرت صاحب الامر علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و یا امر غیبت پرهیز کنید.^۴
۲. از مشهور کردن خودتان اجتناب نمایید.
۳. از دعوت کردن دیگران به امر ولایت خوداری کنید.^۵

توضیح

تقیه در لغت به معنای پرهیز است، و در اصطلاح به معنای کتمان

۱. کافی ۲: ۱۱۷.

۲. کمال الدین ۲: ۳۷۱-۳۷۲، کفایة الاثر ۲۷۴، بحار ۵۲: ۳۲۱.

۳. الامامة والتبصرة ۱۲۵، کافی ۱: ۳۳۶، غیبت شیخ طوسی ۳۳۷، إثبات الوصية ۲۲۴، دلائل الامامة ۵۳۲، غیبت شیخ نعمانی ۱۵۱-۱۵۵، کمال الدین ۳۴۷، مستدرک ۱۲: ۲۸۵، بحار ۵۱: ۱۴۷ و ۵۲: ۲۸۱.

۴. شرح اصول کافی مازندرانی ۶: ۲۵۱.

۵. مرآة العقول ۴: ۳۵.

حقیقت، اظهار نکردن افکار، عقاید، و نظریات خویش نزد مخالفان، و مخالفت نکردن و نزاع نداشتن با آنها است تا به دین و دنیای ما لطمه‌ای وارد نشود.^۱

در موارد احساس خطر و خوف ضرر تقیه واجب است، به نحوی که حتی ارتکاب محرمات و یا ترک واجبات هم جایز می‌شود.^۲

در غیر موارد ضرورت نیز اهل بیت علیهم‌السلام به شیعیان و دوستان خویش دستور داده‌اند که - به منظور مدارا - با کسانی که در عقیده با آنها مخالف هستند معاشرت حسنه و رفتار نیکو داشته باشند: از بیماران آنها عیادت نموده، در تشییع جنازه اموات آنها شرکت کرده، و در مساجد آنها حاضر و در نماز جماعت آنها حضور به هم رسانند.^۳

کناره‌گیری از نااهلان، گمنام زیستن

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: در آخر الزمان گروهی از امتم در مساجد گرد یکدیگر جمع شوند، ذکر (و یاد) آنها دنیا و محبت دنیا باشد، با آنها مجالست نکنید که خدا به آنها توجهی ندارد.^۴

۱. تصحیح الاعتقادات شیخ مفید ۱۳۷.

۲. کتاب التقیه، شیخ انصاری ۳۹.

۳. کتاب التقیه، شیخ انصاری ۴۱؛ جامع احادیث الشیعه ۲۰: ۱۸ باب ۱.

لازم به تذکر است که در مورد شرکت در نماز جماعت عامه، قصد اقتدا نمی‌توان کرد، و لذا بایستی حمد و سوره را - هر چند آهسته - قرائت کند و گرنه نماز او مجزی نیست. مراجعه شود به جواهر ۱۳: ۱۹۵؛ وسائل ۶: ۱۲۸ (اسلامیه ۵: ۴۲۷)؛ جامع احادیث الشیعه ۷: ۳۸۱-۳۸۹.

۴. بحار ۸۰: ۳۶۸، مستدرک ۳: ۳۷۱ و ۱۲: ۳۱۵.

و فرمود: ای پسر مسعود! نه در مجالس عمومی با آنها همنشین باش، و نه در بازارها با آنها معامله نما، حتی از نشان دادن راه به آنها و از آب دادن به آنها خوداری نما!^۱

و بنابر بعضی از روایات هنگامی که صحبت از فتنه شد آن حضرت وظیفه را چنین بیان فرمودند که:

**الزم بیتك ، واملك عليك لسانك ، وخذ ما تعرف ، ودع ما تنكر ،
وعليك بأمر الخاصّة ، ودع عنك أمر العامّة.**

یعنی: ملازم خانه خویش باش، و زمام اختیار زبان خود را داشته باش. چیزی که درستی اش را می دانی اخذ کن و آنچه را منکر دانستی رها کن، و تمام توجه خویش را به آنچه مربوط به خودت می شود معطوف دار (و یا اینکه: از گروه خاصی - یعنی اهل حق - پیروی کن) و آنچه عموم مردم بر آنند آن را واگذار (و کاری به آنها نداشته باش).^۲

۱. مکارم الأخلاق ۴۵۰، بحار ۷۴: ۹۹.

۲. التحصین ۱۰. لازم به تذکر است که غرض از این تعابیر: «عليك بنفسك» و یا «عليك بأمر خاصّة نفسك» و یا «عليك بأمر الخاصّة» این نیست که امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل و تکالیف دیگری که انسان نسبت به دیگران دارد از او مطلقاً ساقط است؛ چون - گذشته از دلایل استمرار شریعت - در بعضی از روایات تصریح شده در آخر الزمان تکلیف امر به معروف و نهی از منکر همچنان به حال خود باقی است، (مراجعه شود به کافی ۵: ۵۵؛ تهذیب ۶: ۱۸۰ - ۱۸۱).

ممکن است مقصود این باشد که به جهت جو حاکم بر جامعه، شرایط و جوب امر به معروف و... همیشه محقق نیست.

و یا اینکه انسان بایستی به کار خویش مشغول باشد و از معاشرت های غیر ضروری با عموم مردم اجتناب کند؛ زیرا اگر بخواهد در معاشرت با آنها انجام وظیفه کند مشکلات

و نیز فرمودند: اگر از مردم گریزان باشی بهتر از آن است که بین آنها اقامت کنی.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از آنها بگریز، از آنها فرار کن!^۲
و فرمود: فتنه‌ای کور (سر در گم) تار، ظلمانی و فراگیر بر شما سایه افکنده که کسی از آن جان سالم به در نخواهد برد مگر نومه (= گمنام).
پرسیدند: غرض از نومه چیست؟ فرمود: کسی که مردم از افکار و اندیشه‌های او بی‌خبر باشند.^۳

و نیز در بیان آخر الزمان فرمود: آن زمانی است که نجات پیدا نکند مگر مؤمن بی‌نام و نشان گمنامی که اگر در میان مردم باشد او را شناسند، و اگر از میان آنها غایب شود کسی به جستجوی وی نپردازد و سراغ او را نگیرد، آنها چراغ هدایت و وسیله شناخت راه حق در تاریکی‌ها می‌باشند، نه اهل سخن چینی و فساد در بین مردم هستند و

فراوان و احياناً غير قابل تحمل برای او پیش می‌آید.

۱. مستدرک ۱۱: ۳۷۷.

۲. بحار ۵۲: ۲۲۸.

در روایات عامه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی آمده که خلاصه‌اش چنین است: زمانی آید که حفظ دین به این است که از این طرف به آن طرف گریزان باشی؛ زیرا گذران معیشت جز با گناه ممکن نیست، والدین، همسر و نزدیکان، انسان را به فقر و تنگدستی ملامت نمایند تا برای به دست آوردن ثروت مجبور شود دین خود را از دست بدهد. (شرح ابن ابی الحدید ۱۰: ۴۷).

۳. غیبت شیخ طوسی ۴۶۵، غیبت شیخ نعمانی ۱۴۱، مستدرک ۱۲: ۳۰۱، خرائج

۳: ۱۱۵۲، بحار ۲: ۷۳.

نه دنبال افشای اسرار،^۱ آنها زبان خویش را رها نگذاشته‌اند، خدای تعالی درهای رحمت خویش را بر آنها گشوده و فلاکت عذاب خود را از آنها برطرف ساخته است.^۲

پیامبر ﷺ فرمود: زمانی آید که علما را مانند دزدان به قتل رسانند، ای کاش علما در آن زمان خویش را به حماقت زنند تا جان سالم به در برند.^۳

خانه نشینی

امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی خواهد آمد که امام از میان مردم غایب شود، خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر امر ولایت ما ثابت قدم باشند، کمترین پاداش آنها این است که خدای تعالی آنها را ندا کند که: ای بندگان من! به سرّ نهران من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق کردید، شما را بشارت باد به پاداش نیکو از جانب من، شما بندگان و کنیزان واقعی من هستید (که حق بندگی را بجا آورده‌اید) اعمال شما را پذیرفته، از لغزش‌های شما چشم‌پوشی کرده، و گناهانتان را بیامرزم. به واسطه شما بر (سایر) بندگان باران نازل کنم و بلاها را از آنها دفع نمایم، اگر شما نبودید عذاب خویش را بر آنها فرو می‌فرستادم.

۱. شاید معنای عبارت «ولا المذایب البذر» این باشد که: سرّ خویش را فاش نمی‌سازند، ولی بعضی معنا کرده‌اند که: آنها دنبال اشاعه فحشا نمی‌باشند.

۲. نهج البلاغه ۱: ۱۹۸، بحار ۶۶: ۲۷۳.

۳. روضة الواعظین ۴۸۵.

قال جابر: فقلت: يا ابن رسول الله! فما أفضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان؟ قال: حفظ اللسان ولزوم البيت.

جابر گوید: عرض کردم: ای فرزند پیامبر! بهترین عمل مؤمن در آن زمان چیست؟ حضرت فرمود: حفظ زبان، و خانه نشینی.^۱
امام صادق علیه السلام فرمود: زبان خویش را نگهدارید و ملازم خانه خویش باشید.^۲

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خانه خویش را عبادتگاه خود قرار دهید، و در سختی‌ها و مشکلات صبر و بردباری را پیشه خود سازید، و خدا را بسیار یاد کنید که بالاترین چیز همین یاد خداوند است.^۳
امام رضا علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم آید که عافیت ده بخش است، نه قسمت آن در کناره‌گیری و عزلت و یک قسمت در سکوت.^۴
امام باقر علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که هر کس در خانه خود بنشیند، از همه حالش بهتر خواهد بود.^۵

توضیح

در مورد عزلت این نکته را بایستی در نظر داشت که کناره‌گیری در صورتی ممدوح است که انسان تفقه در دین داشته باشد و از معارف و

۱. بحار ۵۲: ۱۴۵.

۲. غیبت شیخ نعمانی ۱۹۷، بحار ۵۲: ۱۳۹، مستدرک ۱۱: ۳۶-۳۷.

۳. بحار ۵۲: ۲۶۷.

۴. خصال ۴۲۷، ثواب الأعمال ۱۷۸، تحف العقول ۴۴۶، مستدرک ۱۱: ۳۸۸.

۵. التحصین: ۱۸.

احکام دین با اطلاع باشد تا بتواند - در عین اعتزال - تکالیف شرعی را بجا آورده و حقوق خانواده، ارحام، بستگان، و برادران دینی را رعایت نماید؛ اما کسی که بخواهد از اول به تنهایی انس گرفته و با هیچ کس ارتباط نداشته باشد، دچار جهل و سردرگمی در انجام وظایف شرعی خویش می شود و قطعاً چنین امری مطلوب نخواهد بود.^۱

لذا بایستی دقت کرد که اعتزال مطلوب به حسب افراد، حالات، شرایط زمانی و مکانی مختلف است، رفت و آمد برای یادگیری معارف و احکام دین لازم است، معاشرت با کسانی که باعث ترقی انسان در کمالات و فضایل باشند مطلوب است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «یسعد الرجل بصاحبه السعيد»^۲ یعنی انسان در اثر همراهی و رفاقت با شخص سعادت‌مند، خوشبخت می شود. مهم‌ترین نکته در این زمینه شناخت مصادیق است؛ زیرا هنگامی که غالب بر اهل زمان فساد باشد گمان نیک به همگان داشتن ابلهی است، پس در تشخیص و انتخاب کسانی که ناگزیر از معاشرت با آنها هستیم بایستی کمال دقت را مبذول داریم.

حکم ذکر نام امام زمان علیه السلام

روایاتی در حرمت ذکر نام مبارک امام زمان علیه السلام - که همان جدش صلی الله علیه و آله باشد - به ما رسیده است و در حرمت، جواز و یا تفصیل اقوال مختلفی وجود دارد. برای اطلاع بیشتر به وسائل، مستدرک،

۱. مراجعه شود به کافی ۱: ۳۱، مرآة العقول ۱۱: ۳۶۹-۳۶۸.

۲. الذریعه، آقابزرگ طهرانی ۲۵: ۵۴ به نقل از نثر اللثالی شیخ طبرسی.

مکیال المکارم و ... مراجعه شود.^۱

تکذیب تعیین زمان خاص برای ظهور

خلاصه آنچه اهل بیت در روایات متعدد فرموده‌اند آن است که : خداوند نسبت به تعیین هنگام ظهور برای ما زمانی را معلوم نکرده است، ما اهل بیت وقت تعیین نمی‌کنیم، اصلاً خدا می‌خواهد برخلاف زمانی که دیگران تعیین کنند فرج واقع شود.^۲
امام صادق علیه السلام فرمود:

من وقت لك من الناس شيئاً فلا تهابن أن تكذبه ، فلسنا نوقت
لأحد وقتاً.^۳

یعنی : هر کس زمان خاصی را برای ظهور تعیین کرد بدون هیچ ترس و واهمه او را تکذیب کن، چون ما برای هیچ کس وقت معین نکرده‌ایم.

و حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

وأما ظهور الفرج فإنه إلى الله تعالى ذكره ، وكذب الوقيتون.^۴

یعنی : ظهور فرج به دست خداست ، هر کس وقت تعیین کند ، دروغ گفته است .

۱. وسائل ۱۶ : ۲۲۷ - ۲۴۶ (اسلامیه ۱۱ : ۴۸۵) باب ۳۳ تحریم تسمیه المهدی علیه السلام ... مستدرک ۱۲ : ۲۷۹، مکیال المکارم ۱ : ۱۱۰، چاپ اول .

۲. إعلام الوری ۲ : ۲۴۳ - ۲۴۴، کمال‌الدین ۴۸۴، غیبت شیخ طوسی ۲۹۱، ۴۲۶ - ۴۲۷، کافی ۱ : ۳۶۸ - ۳۶۹، الامامة والتبصرة ۹۵، غیبت شیخ نعمانی ۱۹۸، ۲۹۴ بحار ۵۲ : ۱۰۴، ۱۸۵ .

۳. غیبت شیخ طوسی ۴۲۶ .

۴. کمال‌الدین ۴۸۴، غیبت شیخ طوسی ۲۹۱ .

دعا و نیایش

یکی از تکالیف زمان غیبت دعا برای نجات خویش و همچنین دعا برای تعجیل فرج می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آرزوی درک دولت کریمه قائم آل محمد علیهم السلام را می کنید، آرزو کنید (و از خدا بخواهید) که با عافیت خدمت آن حضرت برسید، چون خدای تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمت مبعوث کرد ولی امام زمان علیه السلام را برای انتقام می فرستد.^۱

و فرمود: در آن زمان فقط کسی نجات پیدا می کند که خدا را به دعای غریق بخواند و به درگاه او عرضه بدارد:

یا الله، یا رحمان، یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک.

یعنی: ای خدا! ای رحمان! ای رحیم! ای دگرگون کننده دل ها! دلم را بر دین خویش ثابت و استوار بدار.^۲

در روایت دیگر آمده است که: زراره پرسید: اگر آن زمان را درک نمایم چه کنم؟ آن حضرت فرمود: مداومت بر این دعا داشته باش:

اللهم عرّفني نفسك، فإنك إن لم تعرّفني نفسك لم أعرف نبيك،
اللهم عرّفني رسولك فإنك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف
حبّتك، اللهم عرّفني حبّتك فإنك إن لم تعرّفني حبّتك
ضللت عن ديني.

۱. کافی ۸: ۲۳۳، بحار ۵۲: ۳۷۶.

۲. بحار ۵۲: ۱۴۹ و ۹۲: ۳۲۶.

یعنی : بارالها! خودت را به من بشناسان وگرنه پیامبرت را هم نشناسم، خداوندا! پیامبرت را به من بشناسان وگرنه حجت تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا حجت خویش را به من بشناسان وگرنه از دین خویش بازگشته و گمراه شوم.^۱

راوی دیگر از حضرت پرسید : پس شیعیان در آن زمان چه کنند؟ فرمود: وظیفه شما دعاست و انتظار فرج . پرسید: چه دعایی بخوانیم؟ فرمود این دعا را:

اللهم أنت عرّفتني نفسك وعرّفتني رسولك وعرّفتني ملائكتك
وعرّفتني ولاية أمرك ، اللهم لا آخذ إلا ما أعطيت ، ولا أقي إلا ما
وقيت ، اللهم لا تغيبني عن منازل أوليائك ، ولا تزغ قلبي بعد إذ
هديتني ، اللهم اهدني لولاية من افترضت طاعته .

یعنی : خدایا تو خودت را به من شناساندی، و توفیق شناخت پیامبر، فرشتگان و اولی الامر را به من عنایت فرمودی. بارالها! جز آنچه تو عطا کنی نگیرم، و جز آنچه تو حفظ کنی، نگهداری نتوانم (و ترک گناه جز با توفیق از جانب تو میسر نگردد)، خدایا مرا از همجواری دوستان خویش محروم مکن، و پس از آنکه توفیق هدایت به من عنایت فرمودی دلم را به باطل متمایل مساز. خدایا مرا به

۱. بحار ۵۲: ۱۴۶، و مراجعه شود به : کافی ۱: ۳۳۷، ۳۴۲، کمال الدین ۲۴۲، ۲۴۷، ۵۱۲، إعلام الوری ۲: ۲۳۷، غیبت شیخ نعمانی ۱۶۶، غیبت شیخ طوسی ۳۳۴، جمال الأسبوع ۳۱۴، بحار ۵۲: ۱۴۶ و ۱۸۷: ۵۳ و ۹۲: ۳۲۶-۳۲۷، خاتمه مستدرک ۴: ۶۱، التمهیص ۱۶، مصباح المتهدد ۴۱۱، جمال الأسبوع ۳۱۵.

ولایت کسی که اطاعت او را واجب نموده‌ای، هدایت فرما.^۱
امام عسکری علیه السلام فرمود: به خدا سوگند غایب شود چنانکه (همه
در دوران غیبت هلاک شوند و) نجات پیدا نخواهد کرد مگر کسی که
خدا او را بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت بدارد و به او توفیق
دهد که برای فرج دعا کند.^۲

در نامه خود حضرت آمده است:

وأكثروا الدعاء بتعجيل الفرج ، فإن ذلك فرجكم .

یعنی: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که آن گشایش و فرج شما
خواهد بود.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی
کرد که: تو در آینده دارای فرزند می شوی. آن حضرت این مطلب را با
همسر خویش ساره بازگو نمود، ساره با تعجب گفت: آیا ممکن است
من در پیری بچه دار شوم؟! خداوند بر آن حضرت وحی فرستاد که او
دارای فرزند خواهد شد ولی چون ساره در مقابل کلام خدا چنین
صحبتی نمود، فرزندانش چهارصد سال عذاب می کشند.

حضرت در ادامه سخن فرمودند: هنگامی که عذاب بنی اسرائیل

۱. بحار ۹۲: ۳۳۶.

۲. کمال الدین ۳۸۴، کشف الغمه ۳: ۳۳۳، الصراط المستقیم ۲: ۲۳۲، إعلام الوری
۲: ۲۴۸، بحار ۵۲: ۲۴.

۳. کمال الدین ۴۸۵، غیبت شیخ طوسی ۲۹۲، خرائج ۳: ۱۱۱۵، احتجاج ۲: ۲۸۴،
بحار ۵۲: ۹۲ و ۵۳: ۱۸۱.

طولانی شد، چهل روز به درگاه خداوند ضجّه و ناله زده و گریه و زاری نمودند، پس از آن خداوند به حضرت موسی و هارون علیهم السلام وحی نمود که آنها را از دست فرعون نجات دهند و خداوند از بقیه مدت تعیین شده - که صد و هفتاد سال بود - گذشت.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هكذا أتم لو فعلتم لفرج الله عنا فأما إذ لم تكونوا فإن الأمر ينتهي إلى متناه .

شما هم اگر همین برنامه را اجرا کنید (و از درگاه الهی با تضرع و گریه فرج را درخواست نمایید) خدا فرج ما را می‌رساند، وگرنه غیبت تا آخرین حدّ مقرر خودش طول خواهد کشید.^۱

تقوی ، دینداری ، استقامت

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بخواهد دین خویش را در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نگهدارد (در سختی و دشواری) مانند کسی است که بخواهد خارهای قتاد^۲ را با دستان خویش جدا کند - و با دستان مبارک اشاره کرد و فرمود: - این چنین.

پس از آن لحظاتی سربه زیر افکنده، سپس فرمود: صاحب این امر (فرج و ظهور) را غیبتی است که در آن زمان بایستی بنده (مؤمن)

۱. تفسیر عیاشی ۲: ۱۵۴، مستدرک ۵: ۲۳۹، بحار ۴: ۱۱۸ و ۱۳: ۱۴۰ و ۵۲: ۱۳۲.

۲. ابن منظور گوید: قتاد، درختی خاردار است که خارهای آن مانند سوزن است.

(لسان العرب ۳: ۳۴۲)

تقوای الهی پیشه کرده و دین خویش را (محکم) نگهدارد.^۱
 امام کاظم علیه السلام تأکید می فرمودند که: در زمان غیبت مواظب دین خود باشید مبادا کسی شما را بی دین کند؛ زیرا در آن زمان کسانی که اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام دارند از عقیده خود برمی گردند. خداوند می خواهد با این غیبت مردم را آزمایش نماید.^۲
 پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خوشا به حال صابران زمان غیبت، خوشا به حال استواران در راه حق و حقیقت، آنها کسانی هستند که خدای تعالی درباره آنها فرموده: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾^۳ یعنی: «کسانی که به غیب ایمان می آورند» و فرموده: ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۴ «آنها حزب خدا هستند، بدانید که حزب خدا رستگارانند».^۵

در ضمن نامه‌ای از ناحیه مقدسه به شیخ مفید رحمته الله علیه آمده است:
 ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم و گرنه

۱. کافی ۱: ۳۳۵، بحار ۵۲: ۱۳۵ (با کمی اختلاف).

درباره شدائد زمان غیبت از امام باقر علیه السلام آمده است: شباهتی که امام زمان علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام دارد خوف و ترس مداوم، غیبت طولانی، مخفی بودن ولادت و سختی شیعیانش پس از او می باشد. آنها با اذیت و آزار و خواری روبرو شوند تا اینکه خداوند اجازه ظهور دهد و او را بر دشمن یاری و تأیید عنایت فرماید. (کمال الدین ۳۲۷)

۲. غیبت شیخ نعمانی ۱۵۴.

۳. البقرة (۲) ۳.

۴. المجادلة (۵۸) ۲۲.

۵. بحار ۵۲: ۱۴۳.

سختی و بلا بر شما نازل ، و دشمنان شما را نابود و ریشه کن می‌کردند، پس تقوای الهی پیشه خود سازید و به ما کمک کنید تا از شما دستگیری نموده و شما را از فتنه‌ای که بر سرتان سایه افکننده نجات دهیم.

حضرت پس از سفارش به مراعات تقیه برای محفوظ ماندن از شرّ شعله‌های کفر و جاهلیت، فرمودند: کاری کنید که به محبت و دوستی ما نزدیک شوید (و رضایت ما را جلب نمایید) و از آنچه باعث ناراحتی ما شود دوری نمایید.^۱

شناخت زمان

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: عاقل بایستی اهل زمان خویش را بشناسد.^۲ و امام صادق علیه السلام فرمود: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» یعنی کسی که نسبت به زمان خویش شناخت و آشنایی (صحیح) داشته باشد امور مشتبه او را از پای در نمی‌آورد. بنابراین لازم است که انسان در زمان غیبت در تحصیل شناخت صحیح از موقعیت خویش تلاش لازم را داشته باشد.

شاید ما در این زمینه - به جهت ضعف فرهنگ دینی و نداشتن معرفت کافی و درک صحیح از کتاب و سنت - دچار مشکلاتی شویم و به اشتباه بیفتیم؛ لذا پیشوایان معصوم علیهم السلام آنچه در زمان غیبت اتفاق می‌افتد را با دقیق‌ترین مشخصات آن برای ما بیان کرده‌اند.

۱. بحار ۵۳: ۱۷۴.

۲. بحار ۱: ۸۸.

گرچه این مختصر گنجایش تفصیل آن روایات را ندارد^۱ ولی به ذکر یک روایت که شیخ کلینی به سند معتبر آن را نقل فرموده بسنده می‌کنیم، امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که ببینی حق نابود شده و حق جویان و اهل حق از میان بروند، ستم همه بلاد را فراگیرد، قرآن کهنه شده و چیزهایی که در آن نیست در آن پدید آید (و به آن نسبت داده شود)، و آیات مطابق هوی و هوس توجیه شود، دین و آیین مانند ظرف آبی وارونه شود، اهل باطل بر اهل حق غالب شوند، شر و بدی آشکارا بجا آورده شود و کسی از آن نهی نکند، بلکه آنهایی که چنین رفتاری داشته باشند معذور شمرده شوند، بزهکاری آشکار گردیده، مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا نمایند، مؤمن مهر سکوت بر لب زده و کسی سخنش را نپذیرد، فاسق دروغ گوید و کسی دروغ و افترایش را انکار نکند، کودکان بزرگان را خوار شمارند، مردم قطع رحم کنند، کسی را به کار بد ستایند و به او بخندند و بر او انکار نکنند، پسر بچه و نوجوان مانند زنان خود را در اختیار مردان قرار دهد، زنان با زنان ازدواج کنند، مدح

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: نهج البلاغه ۴: ۸۷، کافی ۲: ۲۹۶ و ۸: ۳۰۸، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۵۰، الاحتجاج ۱: ۲۵۱، ۳۷۳، تفسیر فرات ۱۳۹، جامع الأخبار ۱۳۰، تحف العقول ۵۲، تفسیر مجمع البیان ۲: ۲۰۹، ۳۵۹، وسائل ۱۶: ۱۴۰، مستدرک ۱۱: ۳۷۶ و ۱۲: ۳۳۰ و ۱۳: ۳۳۳، بحار ۲: ۱۰۹ و ۱۴: ۳۴۹، و ۲۴: ۳۲۹ و ۳۰: ۷۹ و ۵۱: ۵۷ و ۶۹: ۲۹۰ و ۷۰: ۳۰۴ و ۷۲: ۴۴۰ و ۷۴: ۹۶-۱۰۲ و ۷۴: ۳۶۶-۳۷۰ و ۹۰: ۱۱۶ و ۱۰۰: ۸۱، جامع احادیث الشیعه ۱۶: ۴۷۶-۵۱۶ باب ۱۲/از کتاب جهاد النفس.

و/ثنا (و تملق و چاپلوسی) بسیار گردد، کسی که مال خود را در غیر اطاعت خدا خرج کند او را نهی نکنند و مانع او نشوند، چون کوشش مؤمن را در راه خدا بینند (سعی او را بیهوده شمارند و) از کوشش او به خدا پناه برند، همسایه همسایه آزاری نماید بدون اینکه کسی او را منع نماید، کافر خوشحال است از آنچه در اهل ایمان (از سختی‌ها و مشکلات) می‌بیند و شاد است که فساد و تباهی زمین را گرفته، شراب را آشکارا بنوشند و کسانی که از خدای عز و جل نمی‌ترسند برای نوشیدنش گرد هم آیند، کسی که امر به معروف کند خوار شود، و فاسق در مورد اموری که خدا دوست ندارد نیرومند است و او را می‌ستایند، اصحاب آیات^۱ و هر کس آنان را دوست دارد خوار شود، راه خیر و نیکی مسدود و راه شر و بدی به روی همه باز گردد، خانه کعبه تعطیل و دستور به ترک حج و عمره دهند، به زبان گویند آنچه را

۱. آیات به معنای علامات و معجزات است، یا کسانی که آیات در شأن آنها نازل شده، و مراد از آن ائمه علیهم‌السلام می‌باشند. و احتمال دارد مراد از آن مفسران و قاریان واقعی قرآن باشند و در برخی از نسخ «اصحاب الآثار» است که مراد از آن محدثین می‌باشند. (مرآة العقول ۲۵: ۸۵)

مؤید احتمال دوم کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام است که: «لیس عندهم سلعة أبور من الكتاب إذا تلی حقّ تلاوته، ولا سلعة أنفق بیعاً ولا أغلی ثمناً من الكتاب إذا حرّف عن مواضعه... فالكتاب وأهل الكتاب فی ذلك الزمان طریدان منقیان... لا یأویهما مؤوٍ..»

نزد آنان چیزی بی ارزش‌تر از آن نیست که قرآن آن‌گونه که سزاوار است تلاوت (و بیان) شود، ولی اگر مطالب آن با تحریف عرضه شود برای آن بالاترین ارزش را قائل شوند!... قرآن و اهل آن در آن زمان مطرود اجتماع باشند، و کسی آنها را پناه ندهد. (کافی ۸: ۳۸۹، بحار ۷۴: ۳۶۷-۳۷۲)

که عمل نکنند، مردان برای استفاده مردان خود را فربه کنند و زنان برای زنان، گذران زندگی مرد از لواط و زن از زنا باشد، زنان مانند مردان برای خود مجلس تشکیل دهند، در بنی عباس رفتارهای زنانه آشکار شده، خضاب کنند و شانه زنند و آرایش نمایند چنانکه زن برای شوهرش آرایش نماید، و برای اینکه مردان با آنها کار زشت انجام دهند به آنها پول دهند، در همجنس‌بازی و عشق به مردان رقابت شود و مردان بر سر این کار غیرت ورزند، پولدار از مؤمن عزیزتر باشد، ربا آشکار شود و کسی بر آن سرزنش نشود، زنان بر زنا ستایش شوند، زن برای همجنس‌بازی شوهرش با او همکاری کند، بیشتر مردم و بهترین خانه‌ها آن باشد که با زنان در هرزگی و گناه به آنها کمک کنند، مرد با ایمان غمناک و پست و خوار گردد، بدعت و زنا آشکار گردد، به شهادت ناحق اعتماد کنند، حرام حلال شود و حلال حرام گردد، دین به رأی باشد، قرآن و احکام آن تعطیل گردد، چنان بر خدا جری شوند که برای انجام کار خلاف انتظار شب را نکشند، مؤمن نتواند کار بد را انکار کند مگر با دل، مال کلان در راهی که مورد خشم خدای عزّ و جلّ باشد، خرج شود، زمامداران به کافران نزدیک و از اهل خیر و صلاح دوری گزینند، فرمانروایان در حکم رشوه گیرند، و حکومت و فرمانروایی مورد مزایده قرار گیرد، محارم خویش را نکاح کنند و به همان اکتفا نمایند، به مجرد تهمت و سوء ظن مردم را بکشند، و مردان در همجنس‌بازی غیرت ورزند و جان و مال خویش را در این راه فدا کنند، مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش

قرار گیرد، مرد از هرزگی زنش نان خورد، آن را می داند و به آن تن می دهد، زن بر مرد خود مسلط شود و کاری را که مرد نمی خواهد انجام دهد و به شوهر خود خرجی می دهد، مرد زن و جاریه خود (یعنی کنیز یا دخترش) را برای زنا کرایه می دهد، و به خوراک و نوشیدنی پست تن در می دهد، سوگندهای دروغ به نام خدا بسیار گردد، قمار بازی آشکار شود، شراب را بدون هیچ مانعی علناً بفروشند، زنان خود را در اختیار کافران گذارند، آلات لهو (مانند موسیقی) علنی گردد، بر آن بگذرند و کسی از آن جلوگیری نکند و کسی جرأت منع از آن را ندارد، انسان شریف و با شخصیت را از ترس تسلط و قدرتش خوار نمایند، نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنام دادن به ما اهل بیت (معروف و) ستایش شود، و هر کس ما را دوست دارد دروغ گویش دانند و شهادتش را نپذیرند، بر سر گفتن حرف باطل و ناحق مردم با همدیگر رقابت کنند، شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران آید و در عوض شنیدن مطالب باطل و ناروا بر آنها آسان باشد، همسایه همسایه را از ترس زبانش گرامی دارد، حدود الهی تعطیل شده و در آن مطابق میل و هوای خویش عمل کنند، مساجد طلاکاری و نقاشی شود، راستگوترین مردم کسی است که دروغ و افترا بندد، شرّ و سخن چینی آشکار گردد، بغی (یعنی فساد و ستم) شایع شود، غیبت را خوش مزه و نمکین شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده دهند، برای غیر خدا دنبال حج و جهاد روند، سلطان به خاطر کافر مؤمن را خوار کند، خرابی بر آبادانی چیره گردد،

زندگی مردم از کم‌فروشی اداره شود، خونریزی را آسان شمارند، برای اغراض دنیوی ریاست طلبی نموده، خود را به بدزبانی مشهور سازند تا از آنها بترسند و کارها را به آنها واگذارند، نماز را سبک شمارند، مرد مال بسیار دارد و از وقتی که آن را به دست آورده زکات پرداخت نکرده، گور مرده‌ها را بشکافند و آنها را بیزارند و کفنهایشان را بفروشند، آشوب بسیار شود، مرد روزش را به مستی به شب برد و شب را به مستی صبح کند و اهمیتی به اوضاع مردم ندهد، با حیوانات درآمیزند، حیوانات همدیگر را بدرند، مرد به نمازخانه خود رود و چون برگردد جامه در تن ندارد،^۱ دلها را قساوت گیرد، چشمانشان خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین آید، کسبهای حرام شایع و بر سر آن رقابت کنند، نمازخوان برای ریا و خودنمایی نماز می‌خواند، تفقه فقیه برای دین نیست بلکه او طالب دنیا و ریاست است، مردم با کسی هستند که پیروز شود، هر کس روزی حلال جوید مورد سرزنش و مذمت فرار گیرد و آنکه دنبال مال حرام است مورد ستایش و تعظیم، در مکه و مدینه کارهایی که خدا دوست ندارد انجام شود و کسی از آنها جلوگیری ننموده و مانع انجام کار زشت آنان نشود، ساز و آواز در حرمین آشکار گردد، اگر کسی سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند دیگران او را نصیحت کنند و گویند: این کار بر تو لازم نیست، مردم به همدیگر نگاه و هم چشمی کنند، به

۱. شاید اشاره به کثرت سارقین باشد. مراجعه کنید به مرآة العقول ۲۵: ۸۵.

مردم بدکار و شرور اقتدا کنند (مدپرستی شایع گردد)، راه و روش خیر خالی و بی مشتری گردد، مُرده را به مسخره گیرند و کسی برای مرگ او غمناک نشود، هر سال شرّ و بدعت بیشتر شود، مردم و انجمنها پیروی نکنند مگر از توانگران، به فقیر چیزی دهند که به او بخندند و اگر به او ترحم کنند برای غیر خدا باشد، نشانه‌های آسمانی پدید آید ولی کسی از آن هراس نداشته باشد، مردم بر یکدیگر بجهند (و آشکارا همبستر شوند) چنانکه حیوانات بر همدیگر می جهند و هیچ کس - از ترس - کار زشتی را انکار نکند، در اموری که اطاعت خدا نیست زیاد خرج کنند ولی در اطاعت خدا از کم هم دریغ دارند، عقوق (و ناسپاسی) نسبت به پدر و مادر آشکار گشته و پدر و مادر را سبک شمارند، حال آنها نزد فرزند از همه بدتر باشد، فرزند خوشحال است که به آنها دروغ بندد، زنها بر حکومت غالب و هرکاری را قبضه کنند، کاری پیش نرود جز آنچه مطابق میل آنها باشد، پسر به پدر افترا بندد و به پدر و مادر خود نفرین کند و از مرگشان خوشحال شود، اگر روزی بر کسی بگذرد که در آن روز گناه بزرگی نکرده باشد - مانند هرزگی، کم فروشی، انجام کار حرام و می خوارگی - آن روز گرفته و غمناک است و خیال کند که روزش به هدر رفته، سلطان خوراک را احتکار کند، خمس اهل بیت علیهم السلام به ناحق تقسیم شود و با آن قماربازی و میخوارگی کنند، با شراب مداوا و به بیمار توصیه نموده و بدان بهبودی جویند، مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر و عدم اعتقاد به آن یکسان باشند، اهل نفاق پر قدرت و با سر و

صدا و اهل حق خاموش باشند، برای اذان گفتن و نماز (جماعت خواندن) پول گیرند، مسجدها پر است از کسانی که ترس و واهمه‌ای از خدا ندارند، و برای غیبت و خوردن گوشت حق جویان در مساجد گرد هم آیند و آنجا شراب مست‌کننده را توصیف نمایند، شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی کند و به مستی او ایراد نگیرند، مست را گرامی دارند و از او ملاحظه کنند و بدون بازخواست او را رها نموده و در مستیش معذور دارند، هر که مال یتیمان خورد به شایستگی بستایند، قاضیان بر خلاف دستور خدا قضاوت کنند، زمامداران از روی طمع خیانتکار را امین خود سازند، فرمانروایان میراث را به دست مردمان بدکار و بی‌باک نسبت به خدا داده‌اند تا سهمی از آن را خود بگیرند و آنها را رها کنند تا هر چه خواهند انجام دهند، بر فراز منبرها مردم را به پرهیزگاری دستور دهند ولی خود گوینده به آنچه گوید عمل نکند، اوقات نماز را سبک شمارند، صدقه را به وساطت دیگران پرداخت کنند و به خاطر رضای خدا ندهند بلکه به درخواست مردم (و اصرار آنها) پردازند، تمام هم و غم مردم به شکم و فرجشان باشد، باکی ندارند چه بخورند و با چه نکاح کنند (و حرام حلال برایشان یکسان است)، دنیا به آنها روی آورده، و نشانه‌های حق مندرس و کهنه گشته، پس در آن زمان برحذر باش (مواظب دین خود باش)، و از خدا درخواست نجات کن، و بدان که

خدا بر مردم غضب کرده و اگر به آنها مهلت داده مقصودی دارد،^۱ پس مراقب باش و سعی کن خدا تو را (در عقیده، گفتار، رفتار و کردار) برخلاف مردم آن زمان ببیند که اگر عذابی بر آنها نازل شود و تو در میان آنها باشی (و از دنیا رفتی) به زودی رحمت خدا شامل حال تو خواهد شد، و اگر (آنها نابود شدند و) تو باقی ماندی، بلا بر آنها نازل شده ولی تو از رفتار زشت آنها و جرأتی که در برابر خداوند از خود نشان داده‌اند، دوری نموده‌ای. و بدان که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد و رحمت الهی به آنها نزدیک است.^۲

لمور مختلف :

تحفظ بر اعمال و آداب شرعی و...

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه‌ای فرمود: ... اگر حجت از میان مردم غایب شود... ولی علم و دانش و آداب او در دل اهل ایمان منتشر و پراکنده شده و آنها به آن عمل می‌نمایند.^۳

و فرمود: در آن زمان واجب است که انسان قبل از نزول بلا وصیت کند، و نماز را در اول وقت بجای آورد که شاید در آخر وقت نتواند، شب‌ها با طهارت (با وضو) به بستر خواب رود بلکه در صورت امکان همیشه با طهارت باشد؛ زیرا نمی‌داند کی فرستاده پروردگار برای

۱. شاید اشاره باشد به آیه شریفه: ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ

كَيْدِي مَتِينٌ ﴿الأعراف (۷): ۱۸۲ - ۱۸۳.

۲. کافی ۸: ۳۱-۳۶، بحار ۵۲: ۲۵۵-۲۶۰.

۳. کمال‌الدین ۳۰۲، بحار ۲۳: ۴۹، اثبات الهداة ۳: ۴۶۳.

قبض روح او می آید.^۱

تحفظ بر امر به معروف و نهی از منکر

امام باقر علیه السلام فرمود: در آخر الزمان مردمانی پیدا شوند که پیروی کنند از گروهی ریاکار، نورس (جوان و تازه کار) و نادان که خود را شبیه قاریان و عابدان نمایند (و ادای آنها را درآورند). آنها امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر جایی که از ضرر ایمن باشند، دنبال رخصت و عذر می گردند (تا به هر بهانه ای تکلیف را از گردن خود ساقط کنند)، از لغزش های علما و کارهای فاسد آنها پیروی می کنند^۲ (با آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از پیروی لغزش عالم تحذیر فرموده^۳) به نماز و روزه و عباداتی که ضرری به جان و مال آنها ندارد روی آورند. اگر نماز هم ضرر مالی و بدنی برای آنها داشت آن را رها می کردند، همچنان که امر به معروف و نهی از منکر را - که بالاترین فریضه هاست - ترک نموده اند. امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای است بس عظیم. به واسطه آن فرایض و واجبات پیا داشته می شود.

در آن هنگام (که امر به معروف و نهی از منکر ترک شود و...)

۱. فضائل الأشهر الثلاثة ۹۱، بحار ۹۳: ۳۰۵، مستدرک ۱: ۲۹۶، ۲۹۹.

۲. در تهذیب به جای (فساد عملهم) تعبیر (فساد علمهم) آمده است، و در بیان مراد از آن احتمالات متعددی در کلام علامه مجلسی رحمته الله ذکر شده است، مراجعه شود به: مرآة العقول ۱۸: ۴۰۰، ملاذ الأخیار ۹: ۴۷۸ - ۴۷۷.

۳. خصال شیخ صدوق ۱۶۵ - ۱۶۴، بحار ۲: ۴۲ و ۸۹: ۱۰۸ و مراجعه شود به: کنز الفوائد کراچکی ۱۴۷، معدن الجواهر کراچکی ۳۱، الاختصاص ۳۳۵، بحار ۲: ۵۸ و ۶۹: ۶۳.

غضب خدا بر آنها به حدّ کمال رسد و بر آنها عذابی فرو فرستد که همه را در برگیرد به نحوی که نیکان در شهر و دیار فاجران و خردسالان در بین بزرگسالان هلاک می شوند.^۱

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء علیهم السلام و روش صالحان است. فریضه عظیمی است که به واسطه آن فرائض بپا داشته، جاده‌ها امن، معاملات حلال، مظلوم به صاحبانش بازگردانده، زمین آباد، و حق مظلوم از دشمنش گرفته و عدالت اجرا، و کارها روبراه می شود.

پس، از منکرات تنفر قلبی داشته باشید، و با زبان آن را اعلام نموده در برابر گنهکاران بایستید (و تنفر خویش را اظهار نمایید) در راه خدا از ملامت هیچ کس نترسید، اگر از کار خلاف خویش دست برداشته و حق را پذیرفتند، دیگر کاری به آنها نداشته باشید، ولی آنهایی که نپذیرند و به مردم ستم کنند و به ناحق ظلم روا دارند با آنها مبارزه کنید و از آنها نفرت داشته باشید - بدون اینکه (بخواید از امر به معروف و نهی از منکر سوء استفاده کنید و) دنبال ریاست و برتری بر دیگران و یا به دست آوردن مال و ثروت باشید و یا بخواید با ستم بر دیگران پیروز شوید - تا اینکه آنها برگردند و به امر خدا گردن نهند و اطاعت او را پذیرا شوند.

حضرت در ادامه فرمودند: خدای تعالی به حضرت شعیب علیه السلام وحی نمود که: از قوم تو چهارصد هزار نفر از اشرار و بدان و شصت

۱. علت آن در آخر همین روایت بیان می شود.

هزار نفر از اخیار و نیکان را عذاب کنم.

حضرت پرسید: بارپروردگارا! اشرار آری، ولی نیکان چرا؟ پاسخ آمد: چون با اهل معصیت مداهنه^۱ (و نرمخویی) کرده (با آنها کنار آمدند) و به جهت خشم من بر آنها غضب نمودند.^۲

حکم جهاد در زمان غیبت

درباره جهاد در راه خدا در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام تأکید فراوان شده است، ولی آیا این فریضه - بلکه جنگ مسلحانه و مبارزه با دشمن، چه کفار و مشرکان، و چه حاکمان ستمگر - اختصاص به زمان معصومین علیهم السلام دارد و بایستی با اذن و اجازه آنها اقدام شود یا نه، نظرات مختلف است.

به روایات مختلف مانند:

احادیث اشتراط جهاد به امر امام علیه السلام؛^۳

۱. بایستی توجه داشت که مداهنه مذموم است ولی مدارا ممدوح و مطلوب، و تفاوت آن دو در این است که:

مداهنه کوتاهی در انجام وظایف شرعی - مثل ارشاد جاهل، امر به معروف و نهی از منکر و ... - است، به جهت اغراض دنیوی و هواهای نفسانی، راحت طلبی، جلب محبت دیگران و یا خوف و ترس از آنها.

ولی مدارا به معنای ترک خشونت و سعی در نرم‌خویی، خوشرفتاری و خوش‌زبانی - در تعلیم جاهل یا با کسی که مرتکب خطا و اشتباه یا خلافی شده - می‌باشد تا گذشته از رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، دیگران به جهت لجاجت به گناه بیشتری کشیده نشوند.

۲. کافی ۵: ۵۵؛ تهذیب ۶: ۱۸۰ - ۱۸۱.

۳. مراجعه شود به: وسائل ۴۵: ۱۵ (اسلامیه ۱۱: ۳۲)، مستدرک ۱۱: ۳۲، جامع احادیث

الشیعه ۱۶: ۸۶.

لزوم اقتدا به اهل بیت علیهم السلام - حتی در زمان غیبت - ؛
وجوب انتظار ؛
نهی از استعجال ؛
وجوب تقیه و استمرار آن تا زمان ظهور ؛
و برخی از روایات مربوط به خانه نشینی ؛ بر نظریه گروه اول استناد شده است.

مدلول مطابقی بخشی از احادیث هم نهی از خروج و قیام قبل از ظهور امام زمان علیه السلام است که شیخ حر عاملی رحمته الله در وسائل الشیعه و محدث نوری رحمته الله به تبعیت ایشان در عنوان بابی که برای این روایات منعقد نموده اند، تعبیر به «حکم» فرموده و فتوایی ذکر نکرده اند، این تعبیر حاکی از تردید در مسأله و یا تقیه از سلاطین آن زمان می باشد، همین تعبیر در کتاب جامع احادیث الشیعه که زیر نظر مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله تألیف شده، دیده می شود.^۱

تقویة باطن

زمانی بر امت من خواهد آمد که باطن آنها خبیث ولی ظاهری نیکو داشته باشند، آنچه نزد خداست (یعنی پاداش الهی و خشنودی او) مورد توجه آنها نیست، خدای تعالی عقابی بر همه آنها فرو فرستد که (با اضطراب تمام) مانند کسی که در حال غرق شدن است (به

۱. مراجعه شود به باب حکم الخروج بالسيف قبل قیام القائم علیه السلام.

وسائل ۱۵: ۵۰ (اسلامیه ۱۱: ۲۵)، مستدرک ۱۱: ۳۴، جامع احادیث الشیعه ۱۶: ۱۰۷ چاپ دوم.

درگاه خداوند تضرع و ناله کرده و) او را بخوانند و دعا کنند ولی خداوند دعای آنها را مستجاب نخواهد کرد.^۱

دوری از شک و تردید

حضرت ثامن الائمه از پدران بزرگوارش از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قسم یاد نمود که: قائم از فرزندان من - به جهت عهد و پیمانی که من با او دارم - حتماً غایب خواهد شد تا جایی که بسیاری از مردم بگویند: خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد (و اجتماع از رهبری آنها بی‌نیاز است)، گروهی دیگر در ولادت او تردید نمایند.

**فمن أدرك زمانه فليتمسك بدینه ، ولا يجعل للشيطان إليه سبيلا
بشكّه فيزيله عن ملتى ، ويخرجه من ديني .**

یعنی: هر کس آن دوران را درک کند بایستی به دین خویش تمسک کند و نگذارد که شیطان با شک و تردید بر او غالب شود و او را از دین و شریعت من بیرون برد.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: با یکدیگر پیوند داشته باشید و نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید زمانی آید که هیچ کس نمی‌داند پولش را کجا خرج کند (و راه صحیح و یا مستحق واقعی را نمی‌تواند تشخیص دهد)! راوی پرسید: این قضیه در چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: هنگامی

۱. بحار ۵۲: ۱۹۰.

۲. کمال‌الدین: ۵۱، بحار ۵۱: ۶۸، اثبات الهداة ۳: ۴۵۹.

که امام شما غایب شود و شما در دوری او بسر خواهید برد تا آنکه مثل خورشید بر شما طلوع نماید،

**فَايَاكُمْ وَ الشَّكَّ وَ الْارْتِيَابَ، انْفُوا عَنْ نَفْسِكُمُ الشُّكُوكَ، وَقَدْ
حَذَرْتُمْ فَاحْذَرُوا.**

یعنی : شک و تردید به خود راه ندهید، (و در زمان غیبت با یاد گرفتن معارف دین از طریق صحیح) شک و شبهه را از خود دور کنید، شما را آگاه کردیم، متوجه باشید و حذر نمایید. از خداوند برای شما توفیق و هدایت خواستاریم.^۱

جلوگیری از قساوت قلب

امام جواد از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می کند که فرمود: کسی که در زمان غیبت بر دین خویش ثابت بماند، و به واسطه طولانی شدن زمان غیبت دلش را قساوت نگیرد، در روز قیامت در جهای که من قرار دارم همراه من خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام در همین زمینه این آیه شریفه را قرائت فرمودند:
**﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَيَسْقُون﴾**^۳.

ترجیح ناتوانی بر فخر فروشی

بر مردم زمانی پیش آید که خود را سردو راهی ببینند فخر فروشی

۱. بحار ۵۱: ۱۴۷.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۶۴.

۳. اثبات الهداة ۳: ۴۹۲، ۵۳۱، و آیه مبارکه در سوره الحديد (۵۷)، آیه ۱۶.

را انتخاب کنند یا عجز را (که مردم او را ناتوان و بی‌عرضه بگویند)، هر کس آن زمان را درک نماید عجز را بر فخر فروشی ترجیح دهد.^۱ امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که آن حضرت فرمود: زمانی آید که تنها راه به دست آوردن پادشاهی (و ریاست)، کشتار و تجبّر (و سرکشی) خواهد بود. و بی‌نیازی و ثروت جز با غصب (و دزدی) و بخل و رزیدن میسر نگردد. و جلب محبت مردم فقط با بی‌دینی و پیروی از هوی و هوس میسر شود.

هر کس در آن زمان - با وجود قدرت بر جلب محبت مردم - بر بغض و کینه آنها صبر کند؛ و فقر و ناداری را تحمل نماید با آنکه می‌تواند (با دزدی یا بخل) ثروتمند شود، و ذلت و خواری (ظاهری دنیا) را به جان خریده و دنبال عزت و سربلندی (و ریاست و پادشاهی) نباشد با آنکه امکان رسیدن به آن را دارد، خدای تعالی پاداش پنجاه صدیق - از کسانی که (در حال حیات من) به من ایمان آوردند و مرا تصدیق نمودند - به او خواهد داد.^۲

مولسات برادران دینی

مفضل از امام صادق علیه السلام دربارهٔ سوره ﴿وَالْعَصْرِ﴾ سؤال کرد، حضرت فرمود: عصر، زمان قیام امام زمان علیه السلام است، انسان‌های زیانکار دشمنان ما، و اهل ایمان - که استثنا شده‌اند و زیانکار نخواهند بود - کسانی هستند که به آیات ما ایمان آورند، عمل صالح و شایسته

۱. روضة الواعظین ۴۸۵.

۲. مستدرک ۱۱: ۲۶۰.

یعنی مواسات با برادران دینی، و توصیه کردن یکدیگر به حق یعنی به امامت، و توصیه به صبر یعنی در زمان غیبت یکدیگر را سفارش به صبر (و تحمل شدائد) نمایند.^۱

تفسیر سورة والعصر قریب به همین مضمون در خطبه غدیر نیز آمده است.^۲

گلایه نداشتن از خدا

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی آید که مردم از خدا شکایت دارند! راوی پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود: (مثلاً) کسی گوید: به خدا سوگند که از فلان زمان تا حال (یعنی دیر زمانی است که) من هیچ سودی نکرده‌ام و برای گذران معیشت خویش از سرمایه‌ام استفاده می‌کنم. (بایستی به او گفت:) وای بر تو! آیا اصل سرمایه تو از غیر خداست؟!^۳

گول دنیا را نخور

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در آن زمان خود را از مردگان به حساب آورید و زندگی (زودگذر) دنیا شما را فریب ندهد، (بینید از کدام گروه هستید) مردم بر دو دسته‌اند: نیکوکار پرهیزگار، و شقی (بدکار)، دو خانه هم بیشتر نیست (یکی دنیا که دار عمل است و دیگری آخرت که دار جزاست)، یک نامه عمل هم بیشتر نیست که همه اعمال از ریز

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۹۲.

۲. اقبال ۲: ۲۴۶، مکیال المکارم ۲: ۲۹۷.

۳. بحار ۷۵: ۲۳.

و درشت در آن ثبت گردیده است، بدانید که محبت و دوستی دنیا سبب همه خطاها و سررشته همه گرفتاری‌ها و باعث جمع شدن فتنه‌ها و داعی برای ایجاد شک و شبهه می‌باشد.

وای به حال کسی که به جمع‌آوری مال دنیا پردازد و آن را برای کسانی به میراث گذارد که از او سپاسگزاری و قدردانی هم نخواهند کرد، و بر کسی وارد شود که عذر او را نپذیرد.

دنیا خانه منافقین است نه متقین! پس بایستی بهره‌تو از آن به اندازه‌ای باشد که روی پایت بایستی و خود را از تلف شدن نگهداری، و برای بازگشت خویش زاد و توشه‌ای فراهم نمایی.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی آید که چیزی نایاب‌تر نخواهد بود از برادری که مونس انسان باشد و پول حلال.^۲

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمانی خواهد آمد که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آن است که او را ببینی، اگر او را ببینی بهتر از آن است که او را آزمایش کنی، اگر او را آزمایش کنی حالات گوناگون و رفتارهای ناجور از او ظاهر می‌شود. پول دین آنها و زنان قبله آنها باشند، برای قرص نانی خم شوند و تواضع نمایند، و برای پول (به خاک و) به سجده افتند، (کنایه از اینکه دین خود را از دست بدهند، و یا کنایه از آخرین حد تواضع) مردمی مست و سرگردان که نه مسلمان هستند و نه نصرانی (بلکه هیچ دینی برای آنها باقی نمانده است).^۳

۱. بحار ۷۵: ۲۳.

۲. مصادقة الاخوان ۸۲، بحار ۷۵: ۲۳.

۳. بحار ۷۱: ۱۶۶.

رسیدگی به درماندگان

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی آید که هر کس درخواست کمک کند، زنده بماند؛ و کسی که سکوت کند (از فقر و گرسنگی) بمیرد. راوی پرسید: اگر من آن زمان را درک کنم وظیفه‌ام چیست؟ حضرت فرمود: (رسیدگی به مستمندان واقعی نه فقط گدایان و سائلین) اگر تمکن مالی داری به آنها کمک کن و گرنه با آبروی خویش به فریاد آنها برس.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: زمانی سخت بر مردم پیش آید که مردم به شدت دارایی خویش را مواظبت کنند (و سرکیسه را محکم نگهدارند) و نیکی و احسان به یکدیگر را فراموش کنند، در حالی که خدای تعالی فرموده است: ﴿وَلَا تَسْوَأُوا الْفُضْلَ بَيْنَكُمْ﴾.^۲ یعنی: از بخشش و احسان نسبت به یکدیگر دریغ ندارید. در آن زمان گروهی پیدا شوند که اموال و دارایی مضطربان^۳ را خریداری کنند، آنها ضرورت‌ترین و بدترین خلق هستند.^۴

پرهیز از علمای سوء

امام عسگری علیه السلام فرمود: زمانی آید که مردم چهره‌هایی شاد و خندان ولی دل‌هایی ظلمانی و تاریک داشته باشند. سنت نزد آنها

۱. کافی ۴: ۴۶، الأصول الستة عشر ۱۲۶.

۲. البقرة (۲): ۲۳۷.

۳. یعنی کسانی که به اضطرار افتاده و از ناچاری مجبور به فروختن اموال خویش شده‌اند.

۴. کافی ۵: ۳۱۰، و مراجعه شود به نهج البلاغه ۴: ۱۰۸.

بدعت است ولی بدعت را سنت شمارند! ^۱ مؤمن نزد آنها حقیر و خوار ولی فاسق محترم و عزیز باشد. امیران آنها نادان و ستمکار هستند، دانشمندان آنها نزد ظالمان رفت و آمد کنند، ثروتمندان زاد و توشه فقرا را به سرقت برند، افراد کم سن و سال بر پیران و بزرگان مقدم شوند. هر جاهل (و بی سواد) را دانشمند آگاه پندارند، و هر حيله بازی را فقیر و مستمند! فرقی بین اهل اخلاص و اهل شک و شبهه نگذارند، و گوسفند را از گاو تمیز ندهند. دانشمندان آنها بدترین خلق خدا بر روی زمین هستند چون میل به فلسفه و تصوف دارند. به خدا سوگند آنها اهل عدول و تحریف هستند (یعنی از دین برگشته و آن را تحریف نمایند). در دوستی با دشمنان اهل بیت علیهم السلام مبالغه و زیاده روی کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه سازند، ^۲ اگر به پست و مقامی رسند از رشوه گرفتن سیر نشوند، و اگر کنار زده شوند ریاکارانه به عبادت خدا مشغول شوند، آنها قطاع الطريق اهل ایمان هستند که آنها را از راه حق باز دارند، (آنها) دعوت کنندگان به بی دینی می باشند، هر کس آنها را درک کند از آنها بر حذر باشد و دین و ایمان

۱. یعنی آنچه را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان سنت تعیین کرده اند، آن را ناروا و عمل به آن را جایز ندانند ولی اموری که از دین نیست از دین شمرده و انجام آن را لازم دانند.

۲. امام رضا علیه السلام فرمود: فتنه بعضی از کسانی که ادعای محبت ما را دارند بر شیعیان ما از فتنه دجال سخت تر است! راوی پرسید: چرا؟ فرمود: چون با دشمنان ما دوستی کرده و با دوستان ما دشمنی می کنند، و این کار آنها باعث اختلاط حق و باطل شده و امر را بر مردم مشتبه می سازد تا جایی که مؤمن از منافق تشخیص داده نمی شود. (بحار ۷۲: ۳۹۱)

خویش را از شر آنها مصون و محفوظ بدارد.^۱

رجوع به راویان

در توقیع شریف از جانب امام زمان علیه السلام آمده است:
در حوادث واقعه به راویان احادیث رجوع کنید که آنها حجت بر
شما هستند.^۲

انس به کتب احادیث

امام صادق علیه السلام فرمود: دانش خویش را بنویس و بین برادران دینی
پخش کن، اگر از دنیا رفتی کتاب هایت را برای فرزندان خویش به ارث
بگذار که زمان آشوبی بر مردم پیش آید که جز به کتاب هایشان به
چیزی انس نگیرند.^۳

همدلی در وفاداری، پرداخت حقوق

بنا بر نقل شیخ طبرسی رحمته الله در توقیع امام زمان علیه السلام خطاب به شیخ
مفید رحمته الله آمده است: این عهدی است از ما به سوی تو... هر کدام از
برادران دینی که تقوای الهی پیشه سازد و آنچه به عهده اوست از
حقوق مستحقین پردازد از فتنه هایی که بر سرتان سایه افکنده و
محنت های تار و ظلمانی و گمراه کننده آن در امان باشد. ولی هر کس

۱. الاثنی عشریه، شیخ حرّ عاملی ۲۳-۲۴ (به نقل از حدیقة الشیعة ۵۶۳ چاپ اسلامیه)،

مستدرک ۱۱: ۳۸۰، سفینه البحار ۲: ۵۷-۵۸ (صوف).

۲. کمال الدین ۴۸۴، غیبت شیخ طوسی ۲۹۱، احتجاج ۲: ۲۸۳، وسائل ۲۷: ۱۴۰،

بحار ۲: ۹۰ و ۵۳: ۱۸۱ و ۷۵: ۲۸۰.

۳. کافی ۱: ۵۲.

بخل ورزیده و از اعطای نعمت‌هایی که خدای تعالی نزد او به رسم عاریت نهاده به کسانی که وظیفه دارد، دریغ ورزد، چنین کسی زیانکار دنیا و آخرت است.

اگر شیعیان ما - که خدا توفیق اطاعتشان عنایت فرماید - در وفای به عهد و پیمانی که با ما دارند همدل (و یک صدا) می شدند، سعادت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و زودتر نصیب آنها می شد - دیداری با شناخت کامل و درست نسبت به ما - پس ما را از آنها دور نمی دارد مگر اعمالی که ما را ناخوشایند است و از آنان نمی پسندیم.^۱

امید به ظهور

امام باقر علیه السلام - پس از ذکر ناامیدی مردم از ظهور حضرت و پندار اینکه آن حضرت از دنیا رفته - فرمود: در آن زمان به ظهور آن حضرت امیدوار باشید، و هنگامی که شنیدید ظاهر شده است به سوی او روید اگر چه به (سختی و مشقت) رفتن بر روی برف باشد.^۲

فراموش نکردن حضرت

در دعایی که از ناحیه مقدسه وارد شده آمده است: «و لا تُنْسِنَا ذِکْرَهُ» یعنی: خداوندا ما را از یاد امام زمان علیه السلام غافل مگردان.^۳
 راوی از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از امامان معصوم علیهم السلام کسی غایب

۱. بحار ۵۳: ۱۷۷؛ احتجاج ۲: ۳۲۵.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۶۸.

۳. مکیال المکارم ۲: ۲۹۱.

می‌شود؟ حضرت فرمود:

**نعم یغیب عن أبصار الناس شخصه ، ولا یغیب عن قلوب
المؤمنین ذکره ، وهو الثاني عشر منا.**

یعنی: آری به ظاهر از دیده مردم غایب می‌شود ولی اهل ایمان او را از یاد نخواهند برد و در دل آنها جای دارد، او دوازدهمین امام از خاندان ما می‌باشد.^۱

یکی از تکالیف ما در زمان غیبت زنده داشتن یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.

سعی در تحصیل محبت بلکه جلب محبت مردم به سوی آن حضرت، ترویج آن حضرت به ذکر فضائل، تشکیل مجالس، و شرکت در مجالسی که به نام آن عزیز برپا می‌شود.

قرائت زیارت‌های امام زمان علیه السلام و دعا‌های مربوط به آن حضرت، هدیه کردن ثواب نماز، قرآن، عبادات. بجا آوردن حج، عمره، طواف، زیارت معصومین علیهم السلام به نیابت از آن حضرت و یا نائب گرفتن از جانب ایشان برای امور یاد شده، شاد کردن مؤمنین و احسان به آنها و زیارت آنها به قصد ادخال سرور بر امام زمان علیه السلام از مهم‌ترین اموری است که باعث زنده ماندن یاد آن حضرت در دل‌ها می‌شود.^۲

به اندازه‌ای که مؤمن برای امام زمان علیه السلام ارزش قائل شود و به آن حضرت توجه داشته باشد، همان قدر نزد حضرت ارزشمند خواهد

۱. کمال‌الدین ۲۶۹-۳۶۸، کفایة الأثر ۲۷۰، بحار ۵۱: ۱۵۰، اثبات الهداة ۳: ۵۲۴.

۲. مکیال المکارم ۲: ۲۵۶، ۲۲۴-۲۲۵.

بود و توجه حضرت را به خود معطوف داشته است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: می دانی چرا من از سلمان خیلی یاد می کنم؟ سه علت دارد، اول: او هوی و خواسته امیرمؤمنان را بر خواسته خویش مقدم می داشت...^۲

سید بن طاووس رحمته الله - در ضمن توصیه هایی که به فرزندش درباره امام زمان علیه السلام نموده - می فرماید: در موالات، وفاداری و توجه به آن حضرت به قدری که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و خود آن حضرت از تو می خواهند، بایستی کوشش کنی. هنگامی که نماز حاجت می خوانی اول حوائج حضرت را ذکر کن، هنگام صدقه دادن اول از جانب او صدقه بده سپس برای خود و عزیزانت، هنگامی که دعا می کنی (و نیازهای خویش را به درگاه خداوند عرضه می داری) اول برای آن حضرت دعا کن، و در هر کار نیکی که می توانی او را مقدم بدار تا نسبت به او وفادار بوده باشی. این کار تو باعث می شود که توجه آن حضرت را به خویش جلب نموده و مشمول احسان آن بزرگوار گردی.^۳

-
۱. مراجعه شود به کمال الدین ۵۱۶، بحار ۵۳: ۱۸۸، مکیال المکارم ۲: ۲۸۲.
 - در همین زمینه از امام رضا علیه السلام نیز روایتی نقل شده رجوع کنید به امالی شیخ صدوق ۳۱۱ - ۳۱۲، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۵۴، روضة الواعظین ۳۸۲، وسائل ۱۵: ۲۷۴ (اسلامیه ۱۱: ۲۱۷)، مشکاة الأنوار ۴۰۰، بحار ۶۷: ۵۴، ۱۳۵ و ۷۲: ۱۱۸.
 ۲. امالی شیخ طوسی ۱۳۳؛ بحار ۲۲: ۳۲۷؛ بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ۴۱۱؛ مکیال المکارم ۲: ۳۱۳.
 ۳. کشف المحججه ۱۵۱ - ۱۵۲؛ مکیال المکارم ۲: ۲۰۵.

غم فریق

امام صادق علیه السلام فرمود: در زمان غیبت، چشم اهل ایمان بر آن حضرت گریان است.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: از غم دوری او اهل زمین و آسمان غمناک و اندوهناک باشند، چه بسیارند مردان و زنان با ایمان اسفناک سرگردان که از دوری او محزون می باشند.^۲

در نامه امام عسکری علیه السلام به ابن بابویه آمده است: وظیفه تو این است که صبر کنی و منتظر فرج باشی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین اعمال امت من انتظار فرج است.

و لاتزال شیعتنا فی حزن حتی یظهر ولدی.

یعنی: همیشه شیعیان ما محزون و اندوهناک خواهند بود تا اینکه فرزندم ظاهر شود همو که پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت به (ظهور و فرج) او داده و فرموده: او زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که پر از جور و ستم شده باشد.^۳

شوق دیدار

راوی گوید: به سفیر دوم امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری گفتم: شوق دیدار مولایم را دارم. پاسخ داد: خدا اشتیاق تو را پاداش دهد،

۱. الامامة والتبصرة ۱۲۵، کافی ۱: ۳۳۶.

۲. غیبت شیخ نعمانی ۱۸۰، مختصر بصائر الدرجات ۲۱۴ و مراجعه شود به: الامامة والتبصرة ۱۱۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۱۰، مختصر بصائر الدرجات ۳۸، خرائج ۳: ۱۱۶۸، بحار ۵۱: ۱۵۲.

۳. اثبات الهداة ۳: ۵۷۵.

و با عافیت و آسایش توفیق دیدار به تو عنایت فرماید. چنین خواهشی نکن که دوران غیبت مشتاق اوست. حکم قطعی الهی بر آن قرار گرفته است که حضرت از دیده‌ها پنهان باشد، پس تسلیم باش، ولی با (قرائت) زیارت به آن حضرت توجه کن.^۱

در توقیع شریف از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام آمده است: هرگاه خواستید به واسطه ما به سوی خدا توجه کرده و به سوی ما روی کنید، بگویید - همچنان که خدای تعالی فرموده - : ﴿سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس﴾.^۲

برای قرائت زیارت آل یس به مفاتیح الجنان مراجعه فرمایید.

حکمت غیبت^۳

در توقیعی از جانب امام زمان علیه السلام آمده است: در مورد علت غیبت (که پرسیده‌ای) خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنۡ أَشْيَاءٍ إِنۡ تُبَدَّ لَكُمۡ تَسْؤٰكُمۡ﴾،^۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی سؤال نکنید که اگر پاسخ آن برای شما روشن شود، ناراحت شوید.

سپس حضرت به یکی از جهات غیبت اشاره می‌فرمایند که:

۱. مزار ابن مشهدی ۵۸۵، مستدرک ۱۰: ۳۶۵.

۲. بحار ۵۲: ۱۷۱، و آیه مبارکه در سوره الصافات (۳۷)، آیه ۱۳۰.

۳. برخی از مطالب این عنوان از وظایف زمان غیبت نیست، ولی برای تکمیل بحث، و ارتباط مستقیم بعضی از حکمت‌ها با اعمال و رفتار مردم مناسب دیده شد که مطلب نسبتاً مفصل بیان شود.

۴. سوره المائدة (۵): ۱۰۱.

هر یک از پدرانم (به جهت تقیه) با طاغوت زمان بیعت کرده بودند، ولی هنگامی که من قیام کنم بیعت هیچ طاغوتی را نپذیرفته‌ام... شما از پرسیدن مطالبی که به دردتان نمی‌خورد (و در اعتقاد و عمل دانستن آن ضرورتی ندارد) خوداری کنید و برای دانستن مطالبی که بر شما لازم نیست خود را به زحمت و تکلف نیندازید.^۱

در پاسخ به این سؤال که چرا امام زمان علیه السلام در این مدت طولانی - با وجود نیاز شدید به آن حضرت - از دیده مردم پنهان هستند؟ می‌توان گفت: چنانکه در روایت قبل گذشت علت اصلی آن برای ما معلوم نیست، البته نزد ما مسلم و قطعی است که جبرئیل از سوی خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله دستورالعملی آورده، تا اوصیای آن حضرت طبق آن عمل کنند.^۲ از این رو اگر زوایایی از سیره عملی آن بزرگواران برای ما روشن نباشد، باز آن را از دستورات پروردگار می‌دانیم. گرچه با دقت و ظریف‌بینی در شواهد و قرینه‌ها معلوم خواهد شد که رفتار آنان برخاسته از مصلحت‌هایی بوده که کم و بیش می‌توان بدان پی برد.

امام صادق علیه السلام فرمود: ما از جانب خداوند اجازه نداریم که علت

۱. کمال‌الدین ۴۸۵، غیبت شیخ طوسی ۲۹۲، خرائج ۳: ۱۱۱۵، احتجاج ۲: ۲۸۴، بحار ۵۲: ۹۲ و ۵۳: ۱۸۱.

۲. مراجعه شود به کافی ۱: ۲۷۹، الامامة والتبصرة من الحيرة ۲۸ - ۳۹، غیبت شیخ نعمانی ۳۴ - ۳۸ (باب سوم)، تقریب المعارف ۴۲۱ - ۴۲۲ (چاپ سابق: ۱۷۹)، بحار ۳۶: ۲۰۹ و ۴۸: ۲۷.

غیبت را برای شما بیان کنیم.^۱

آری پس از ظهور آن گرامی مطلب برای مردم روشن و واضح می‌شود، همچنان که حضرت خضر علیه السلام اجازه نداشت حکمت کارهای شگفت خویش را - از سوراخ کردن کشتی، کشتن نوجوان و ترمیم دیوار فرسوده - بیان کند مگر هنگام جدا شدن از حضرت موسی علیه السلام.^۲

آنچه قابل گفتن بوده است - که گوشه‌هایی از حکمت غیبت باشد، نه علت تامه آن - مطالب ذیل است که از پیشوایان معصوم علیهم السلام به ما رسیده و بعضی ارتباط مستقیم با وظایف زمان غیبت هم دارد:

۱. حکمت غیبت امام زمان علیه السلام حکمتی است که در غایب شدن حجج و پیامبران گذشته علیهم السلام وجود داشته است،^۳ و سنت الهی بر آن است که آنچه در امت‌های گذشته اتفاق افتاده، در این امت نیز واقع شود.^۴

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۸۸.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۸۸.

۳. اثبات الهداة ۳: ۴۸۷ - ۴۸۸.

۴. اثبات الهداة ۳: ۴۸۷.

شیعه و سنی اتفاق دارند که هر چه در اُمتهای گذشته روی داده است، در امت اسلام نیز رخ خواهد داد. مراجعه شود به مسند احمد ۲: ۵۲۷ و ۴: ۱۲۵، صحیح بخاری ۴: ۱۴۴، مستدرک حاکم ۱: ۳۷، ۱۲۹، نه‌ایه ابن اثیر ۱: ۳۵۷، کنز العمال ۱: ۲۱۱ و ۱۱: ۲۵۳، شرح ابن ابی الحدید ۹: ۲۸۶.

۲. اعمال و رفتار مردم در حضور حجت خداوند در بین آنها و یا محروم شدن از آن بی تأثیر نیست؛ و در حقیقت بایستی اعتراف کنیم که ما - به سبب کردار ناشایسته - لیاقت دیدار آن عزیز را نداریم.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: زمین خالی از حجت نخواهد ماند ولی ظلم و ستم و جهل و نادانی مردم باعث می شود که خداوند تعالی حجت خویش را از دیده آنها پنهان نماید.^۱

امام جواد علیه السلام فرمود: هنگامی که خدا بر مردم غضب کند، ما از آنها دور نمایم.^۲

ممکن است این حکمت با مطلب بعدی نیز ارتباط داشته باشد.

۳. هیچ کدام از معصومین علیهم السلام به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند، هر یک به دست ظالمین کشته و یا به زهر جفا به شهادت رسیده اند. بدون شک اگر امام دوازدهم علیه السلام - با قطع نظر از اعجاز - به صورت عادی در اجتماع حاضر می شد، آن حضرت را نیز نابود می کردند، لذا خدای تعالی به جهت محفوظ ماندن آن حضرت از شر دشمن، برای آن بزرگوار غیبت را مقرر فرموده است.

و این اختصاص به زمان دولت بنی العباس ندارد بلکه در این زمان

در برخی از منابع حکم به صحت آن نیز شده است، مانند: إعلام الوری ۴۷۶، کشف الغمه

۲: ۵۴۵، مختصر بصائر الدرجات ۲۰۵، تأویل الآیات ۴۰۲، الصوارم المهرقه ۱۹۵.

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۳۲.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۴۷ و مراجعه شود به ۴۹۸.

نیز جاری است! و بنا بر فرمایش امام باقر علیه السلام حتی بعضی از کسانی که در نسب با آن حضرت اشتراک دارند می خواهند آن حضرت را تکه تکه کنند!^۱

لذا در روایات متعدد آمده است که راویان از اهل بیت علیهم السلام می پرسیدند چرا آن حضرت غایب می شود؟ و پاسخ می شنیدند: «یخاف علی نفسه»، «یخاف القتل» و عباراتی مانند آن.^۲

امام کاظم علیه السلام فرمود: طولانی شدن غیبت آن حضرت به این علت است که خوف کشته شدن آن حضرت وجود دارد.^۳

۴. امامان معصوم از امیرمؤمنان تا امام عسکری علیه السلام - به جز حضرت سیدالشهدا علیه السلام - همه مجبور بوده اند که با طاغوت زمان خویش بیعت کنند، و گذشته از قضیه وصیت مختومه که گذشت، وظیفه ظاهری آنها هم به لحاظ تقیه همین بوده است. گرچه این بیعت به اکراه و اجبار واقع شده ولی آنها حاضر به نقض آن نبوده و چنین تکلیفی نداشته اند.

امام زمان علیه السلام غایب شده است تا مجبور نباشد با کسی بیعت کند، و هنگامی که برای نابودی دشمنان قیام می نماید، بیعت هیچ کس بر ذمه اش نباشد، لذا در احادیث آمده است: «لئلا یکون فی عنقه بیعة اذا خرج».^۴

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۱۰، بحار ۵۱: ۳۱.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۷۲، ۴۷۷، ۴۸۷، ۴۹۸، ۵۳۵، ۵۶۲، ۵۷۱، ۵۸۳.

۳. اثبات الهداة ۳: ۴۷۷.

۴. مراجعه شود به اثبات الهداة ۳: ۴۵۶، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۸۶.

۵. امامان معصوم علیهم السلام - در جنگ‌هایی که در زمان خودشان واقع شده - کافران و مشرکان و ... افرادی که می‌دانستند در نسل آنها مؤمنی وجود دارد، نمی‌کشتند؛ یکی از جهات غیبت این است که آن مؤمنانی که در اصلاب کفار و مشرکان قرار دارند، به دنیا بیایند و پس از آن وعده الهی - به پاک شدن زمین از لوث همه پلیدان - محقق شود.^۱

۶. خدای تعالی مردم را به راه‌های مختلفی امتحان می‌کند تا برای خود مردم معلوم شود چه کسی فرمان‌بردار و مطیع خداست، و چه کسی ایمانش زبانی است و به مجرد آزمایش، دین و ایمان خویش را بر باد می‌دهد، یکی از حکمت‌های غیبت این است که مردم کاملاً غربال شوند و مرغوب از معیوب تشخیص داده شود.^۲

۷. در زمان حضرت نوح علیه السلام به واسطه طولانی شدن زمان وعده‌ای که به آنها داده شده بود، بسیاری از آنها از دین برگشتند و سرانجام بیش از هفتاد و اندی با آن حضرت باقی نماندند. خدای تعالی به آن حضرت وحی فرمود که: اگر من زودتر به وعده خود وفا کرده و حکومت را به صالحان می‌دادم، این جمع کثیر که مرتد شدند

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۸۹، ۵۵۲ و مراجعه شود به تفسیر آیه شریفه ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ

كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ الفتح (۴۸): ۲۵، تفسیر نورالثقلین ۵: ۷۰-۷۱.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۴۲، ۴۷۲، ۵۱۰، ۵۳۲، ۷۱۹.

و در امتحان موفق نشدند به طمع خلافت با مؤمنان خالص - که از امتحان سرافراز بیرون آمدند - نزاع و دشمنی می کردند و به هوای رسیدن به پادشاهی و ریاست با آنها مبارزه می کردند و در نتیجه وعده من عملی نمی شد.

بنابر فرمایش امام صادق علیه السلام همین حکمت دقیقاً در غیبت امام زمان علیه السلام نیز جاری است.^۱

۱. مراجعه شود به حیاة القلوب ۱ : ۲۶۱ - ۲۶۳، کمال الدین ۳۵۵ - ۳۵۶، غیبت شیخ طوسی ۱۷۱ - ۱۷۲، بحار ۵۱ : ۲۲۰ - ۲۲۲.

شناخت امام زمان علیه السلام

گرچه شناخت و معرفت امام معصوم علیه السلام در هر زمان لازم است، ولی رمز تأکید بر آن در ضمن تکالیف زمان غیبت آن است که آنچه نجات انسان به آن بستگی دارد شناخت امام و امامت اوست، خواه ظهور دولت حقه را درک کند یا نه، اگر با این معرفت و به انتظار امام خویش از دنیا رفت نزد خدای تعالی مانند کسی است که در خیمه خود حضرت صاحب الامر علیه السلام و در حضور آن حضرت به خدمتگزاری اشتغال دارد.^۱

امام صادق علیه السلام مکرر می فرمود:

اعرف إمامك فإنك إذا عرفته لم يضرّك تقدّم هذا الأمر أو تأخره.^۲

یعنی: امام خویش را بشناس، اگر به او معرفت داشته باشی تقدیم و تأخیر فرج ضرری به تو نمی رساند.

و فرمود: کسی که معرفت به امامت داشته باشد، انتظار او فرج اوست.^۳

۱. کافی ۱: ۳۷۲، بحار ۵۲: ۱۴۲.

۲. بحار ۵۲: ۱۴۱.

۳. بحار ۵۲: ۱۴۲.

روشن‌تر از خورشید

از روایات متعدد استفاده می‌شود که حقانیت حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور چنان روشن و واضح است که هیچ شک و شبهه‌ای برای کسی باقی نمی‌ماند، امام صادق علیه السلام در این زمینه آیه شریفه: ﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ را قرائت فرمودند.^۱

و هنگامی که آن حضرت از گروه‌های مختلف که با پرچم‌های گوناگون که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام قیام می‌کنند و امر را بر مردم مشتبه می‌سازند خبر داد، راوی به گریه افتاد، حضرت فرمود: به خدا سوگند امر (قیام و ظهور) ما از این خورشید روشن‌تر است.^۲

نصّ بر امامت

یکی از راه‌های شناخت «حجت» نصّ می‌باشد. مراد از نصّ این است که پیامبر یا امامی که قبلاً برای مردم حقانیت او معلوم شده است صریحاً پیامبر و یا امام پس از خود را به مردم معرفی کند، مانند معرفی امیرمؤمنان علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و یا بشارت پیامبران گذشته مانند حضرت موسی و عیسی علیه السلام به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. درباره حضرت مهدی علیه السلام روایات بی‌شماری از بقیه

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۵۰، ۵۶۵، و آیه شریفه سوره فصلت (۴۱)، آیه ۵۳.

۲. الإمامة والتبصرة ۱۲۶، کافی ۱: ۳۳۶ - ۳۳۹، کمال‌الدین ۲۴۷، غیبت شیخ نعمانی

۱۵۴، دلائل الإمامة ۵۲۲ - ۵۳۴، غیبت شیخ طوسی ۳۳۸، بحار ۵۱: ۱۴۷ و ۵۲: ۲۸۱ -

معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که بالغ بر صدها روایت است، و در بسیاری از آنها به صراحت امامت آن حضرت بیان شده و در برخی دیگر مطالبی آمده است که به گونه‌ای بر آن دلالت دارد.^۱

قدرت بر اعجاز و علم امامت

معجزه و علم نیز از راه‌های شناخت پیامبران و جانشینان آنها علیهم السلام می‌باشد. حضرت ثامن الحجج علیه السلام در ضمن خصوصیات امام می‌فرماید: امام هر دعایی کند مستجاب می‌شود، اگر به سنگی نفرین نماید دو نیم شود!^۲

از آن حضرت پرسیدند: چگونه امامت کسی اثبات می‌شود؟ فرمود: به نص (و معرفی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام) و دلیل. پرسیدند: دلیل امامت چیست؟ فرمود: علم و دانش، و مستجاب شدن دعا.^۳

ابوبصیر از امام کاظم علیه السلام پرسید: امام چگونه شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: به چند امر، اول اینکه پدرش قبلاً امامت او را اعلام کرده باشد، امام از آنچه بپرسند آگاه است و (می‌تواند) پاسخ دهد، اگر

۱. مراجعه شود به معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام.

شایان ذکر است که در پاره‌ای از روایات همه دوازده امام علیهم السلام یاد شده‌اند، نویسندگان و مؤلفان شیعه به جمع‌آوری و تدوین آن آثار پرداخته‌اند، آخرین تألیف در این زمینه کتاب شریف «جامع الاثر» از سید حسن آل طه است که مشتمل بر ۶۴۵ حدیث می‌باشد.

۲. اثبات الهداة ۳: ۷۱۶.

۳. اثبات الهداة ۳: ۷۱۶-۷۱۷.

سؤال هم نکنند خود او شروع به بیان مطالب می فرماید، از آینده خبر می دهد، با مردم به هر زبانی سخن می گوید.

در همین روایت آمده است که حضرت با شخصی از اهل خراسان با زبان خودش صحبت فرمود، او گفت: خیال می کردم شما زبان فارسی نمی دانید! حضرت فرمود: در این صورت من چه برتری بر تو دارم؟!^۱

از حضرت مهدی علیه السلام نیز معجزات متعدد - که دلالت بر امامت آن حضرت دارد - ظاهر می شود، گرچه این مختصر گنجایش ذکر و استقصای آن را ندارد، ولی بعضی از آن معجزات در ضمن مطالب آینده، خواهد آمد، و در اینجا به چند مورد آن اکتفا می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به واسطه آخرین امام از فرزندان من مردم را از هلاکت نجات دهد و از گمراهی رها نماید، و نابینایان و بیماران را شفا دهد.^۲

امام باقر علیه السلام فرموده: خداوند او را به نصرت خویش تأیید کند، زمین برای او پیچیده شود (یعنی به طی الارض می تواند هر لحظه از مکانی به مکان دیگر - هر چند دور - برود)، گنج های زمین بر او ظاهر شود، و شرق و غرب عالم تحت سلطه او درآید.^۳

بالای سر آن حضرت ابری سایه افکننده و همه جا همراه ایشان

۱. اثبات الهداة ۳: ۷۱۵، ۷۱۷.

۲. اثبات الهداة ۳: ۷۱۷.

۳. اثبات الهداة ۳: ۷۱۸.

است تا آن بزرگوار از حرارت خورشید آسیب نبیند و با صدایی فصیح ندا می دهد: «هذا المهدي» یعنی: این حضرت مهدی علیه السلام است.^۱

یکی از معجزات آن حضرت زنده کردن ابوبکر و عمر پس از سالیان دراز، آویزان نمودن آنها به درخت خشکیده و تازه شدن و جوانه زدن آن درخت به اعجاز حضرت، و اعتراف گرفتن از آن دو بر تمامی جنایات و ستم‌هایی که در عالم اتفاق افتاده است، می باشد.

بنابر بعضی از روایات پس از سوزاندن و برباد دادن خاکستر آنها باز آنها را زنده می کنند تا دیگران نیز انتقام خویش را از آنها بگیرند و این کار بارها تکرار می شود.^۲

لوصاف ظاهری

گذشته از زیبایی فوق العاده آن حضرت که در احادیث متعدد آمده، در برخی از روایات اجمالاً اشاره شده که آن حضرت - علاوه بر کردار و رفتار و گفتار - در شکل و شمائل ظاهری نیز آینه تمام‌نمای

۱. بحار ۵۱: ۲۴.

۲. مراجعه شود به: احتجاج ۴۴۹؛ إعلام الوری ۴۳۵ - ۴۳۶؛ دلائل الإمامة ۲۴۲، ۲۵۷، ۲۹۷؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱: ۵۸؛ کمال الدین ۲۵۳، ۳۷۸ - ۳۷۷؛ الهدایة الكبرى ۱۶۳؛ مثالب النواصب ۱۱۳؛ ارشاد القلوب ۲: ۲۸۵ - ۲۸۷؛ مشارق أنوار الیقین ۷۹؛ مختصر بصائر الدرجات ۱۷۶ مسند فاطمة الزهراء علیها السلام طبری و کشف البیان، شیبانی، به نقل حلیة الابرار ۲: ۵۹۷ - ۵۹۹ (چاپ دار الکتب العلمیة) باب ۲۸؛ منتخب الأنوار المضية ۱۷۷ - ۱۷۶، ۱۹۲ - ۱۹۳؛ اللوامع النورانية ۲۷۹؛ الايقاظ من الهجعة ۲۸۷ - ۲۸۸؛ کتاب الغیة، سید علی بن عبد الحمید، به نقل بحار ۵۲: ۳۸۶، بحار ۳۰: ۲۷۶ - ۲۷۷ و ۳۶: ۲۴۵ و ۵۲: ۳۷۹، ۲۸۳ و ۵۳: ۱۲ - ۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.^۱

اوصاف آن حضرت در روایات این گونه بیان شده است که:
 سن و سال آن حضرت زیاد ولی قیافه اش جوانی حدود چهل سال
 (یا کمتر) می نماید، سر مبارک مدور، صورت مانند ماه درخشان،
 خوش صورت و زیبا، نور رخسارش چنان درخشان است که بر
 سیاهی محاسن و موی سر غالب است.
 روی مبارک کم گوشت، رنگ آن سفید آمیخته به سرخی است که از
 بیداری شب زردی بر آن عارض شده.
 پیشانی فراخ و سفید و تابان، ابروان به هم پیوسته، بینی باریک و
 قلمی که در وسط آن کمی خمیدگی دارد.
 بر گونه راست آن حضرت خالی است مانند ستاره فروزان، میان
 دندان ها گشاده، چشمان سیاه و سرمه گون.
 میان دو کتف او عریض، و در شکم و ساق پا مانند جدش
 امیرمؤمنان علیه السلام، قامت معتدل، هیچ چشمی چنین شمائل متناسب
 ندیده.

آن قدر قوی و نیرومند است که می تواند بزرگ ترین درخت روی
 زمین را با دست از جای در بیاورد، و اگر بین کوه ها فریادی کشد،
 سنگ صخره های آن فرو ریزد.^۲

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۸۱، ۵۰۵، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۶۹.

۲. مراجعه شود به اثبات الهداة ۳: ۴۷۸، ۴۸۱، ۵۲۸، ۵۸۷، ۷۲۳، بحار ۵۱: ۳۵-۳۶، ۳۹
 و.... ۵۲: ۲۸۵، منتهی الامال ۲: ۴۵۱.

فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

امام صادق علیه السلام می فرماید: گرچه ولادت آن حضرت مخفیانه اتفاق بوده ولی در نسب آن حضرت هیچ خفایی نیست (و بر همه روشن خواهد بود).^۱

توضیحی که در این زمینه لازم به نظر می رسد این است که: هنگامی که علائم ظهور آن حضرت محقق شود، و ندای آسمانی به نام مبارک آن حضرت را همگان بشنوند، تنها کسی که خود را به عنوان حجة بن الحسن علیه السلام معرفی کند و نسب خود را تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برساند حضرت مهدی علیه السلام می باشند و لذا در روایت آمده است: هر چه برای مردم مشکل باشد، برای آنها هیچ ابهامی وجود ندارد که او فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ... ندای آسمانی که نام او و پدر و مادرش را ذکر می کند برای احدی ابهامی باقی نخواهد گذاشت.^۲

سلاح، زره و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

یکی از راه های شناخت امام - چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت - این است که سلاح و زره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد او باشد،^۳ در روایات آمده است: «دوروا مع السلاح حیثا دار»^۴ یعنی: دنبال سلاح باشید، نزد هر کس باشد او امام است. چنانکه بنی اسرائیل به وسیله تابوت

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۴۶، ۴۷۷.

۲. مصادر آن در اولین روایت قسمت: «شناخت علائم ظهور» خواهد آمد.

۳. اثبات الهداة ۳: ۷۱۴، ۷۲۴.

۴. اثبات الهداة ۳: ۷۱۵.

حجت را تشخیص می دادند،^۱ راه شناخت حجت برای شما سلاح است،^۲ امام صادق علیه السلام فرمودند: جفر احمر و عایی است که سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله در آن قرار دارد و فقط پس از ظهور امام زمان علیه السلام نمایان شود.^۳

نشانه دیگر زره پیامبر صلی الله علیه و آله است که فقط بر قامت مبارک حضرت مهدی علیه السلام راست آید و مناسب آن جناب باشد،^۴ هر کس آن را بپوشد - خواه کوتاه قد باشد یا بلند قد - یک وجب از قامت او بلندتر خواهد بود.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: ظهور می کند در حالی که... و پیراهنی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد پوشیده بودند، عمامه سحاب، زره آن حضرت «السابغة» و شمشیر «ذوالفقار» را همراه دارند.^۶

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! بنی عباس یک پرچم بلند کنند، و دیگران پرچم های دیگری، بر حذر باش، بر حذر باش، بر حذر باش (از اینکه دنبال آنها راه بیفتی) تا اینکه مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببینی (قیام کرده و) مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند، همراه

۱. مراجعه شود به تفسیر آیه: ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾ البقرة (۲): ۲۴۸.

۲. اثبات الهداة ۳: ۷۱۴.

۳. اثبات الهداة ۳: ۵۲۵-۵۲۶، ۵۵۹.

۴. اثبات الهداة ۳: ۴۴۰.

۵. اثبات الهداة ۳: ۷۱۶-۷۱۵، ۵۸۲.

۶. اثبات الهداة ۳: ۵۴۵.

اوست: سلاح، مغفر،^۱ زره و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.^۲
و فرمود: همراه آن حضرت عهده‌ای است از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که از پدرانش به او رسیده است.^۳
امام صادق علیه السلام فرمود: بر حذر باش از شذاذ^۴ منسوب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چون اهل بیت یک پرچم دارند و دیگران پرچم‌هایی، سر جای بنشین و از هیچ کدام پیروی نکن تا بینی مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام که با اوست: عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پرچم و سلاح او، عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد امام سجاده علیه السلام بود سپس نزد امام باقر علیه السلام ... (و سپس نزد بقیه معصومین علیهم السلام باقی خواهد ماند) پس ملازم ایشان باش، و بر حذر باش و از خروج با دیگران که برایت توضیح (کافی) دادم خوداری کن.^۵

رایت ظفر

پس از ظهور، جبرئیل علیه السلام پرچم «الغالبه»^۶ را نزد امام امام زمان علیه السلام می‌آورد، این پرچم از برگ درختان بهشتی، و دسته آن از عمود عرش و رحمت خداوند، و سایر اجزای آن از نصر خداوند تعالی ساخته شده است.

۱. مغفر به زرهی گویند که به اندازه سر ساخته شده است و زیر کلاه خود می‌پوشند.

۲. مستدرک ۱۱: ۳۸، اثبات الهداة ۳: ۵۸۸.

۳. اثبات الهداة ۳: ۵۸۲.

۴. شذاذ به زیدیه معنا شده است، مراجعه شود به بحار ۵۲: ۲۶۹.

۵. بحار ۵۲: ۲۲۳.

۶. برای این پرچم نام‌های دیگری چون «المغلبة» نیز ذکر کرده‌اند.

در هر نبردی که آن پرچم را همراه داشته باشند فتح و پیروزی نصیب آنها شده و دشمن مغلوب خواهد شد.

این پرچم را جبرئیل در جنگ بدر نزد پیامبر ﷺ آورد، حضرت پس از پیروزی آن را پیچیده و به امیر مؤمنان علیه السلام سپردند، در جنگ جمل برای دومین بار برافراشته شد و طولی نکشید که لشکر دشمن شکست خورد، در نبرد صفین - با وجود اصرار اصحاب - حضرت از استفاده آن پرچم امتناع ورزید و فرمود: پس از من دیگر هیچ کس جز حضرت قائم علیه السلام آن را باز نخواهد کرد.

هنگامی که امام زمان علیه السلام آن پرچم را باز کند فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند از آسمان برای یاری آن حضرت فرود آیند، سپس حضرت آن پرچم را به اهتزاز درآورد، و همه عالم - از مشرق تا مغرب - برای او روشن شود، پس از آن نبرد را شروع نماید. اهل شرق و غرب عالم (از ترس) آن پرچم را لعن و نفرین کنند، رعب و وحشت از چهارسوی آن تا مسیر یک ماه راه را فراگیرد.^۱

آن حضرت در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد.^۲

در روایات متعدد آمده است: از جمله اموری که خدا به واسطه آن، حضرت را یاری می‌کند ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان حضرت است.^۳

۱. مراجعه شود به اثبات الهداة ۳: ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۶، ۵۸۲، ۷۲۳.

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۶۴، ۴۶۸.

۳. بحار ۵۲: ۳۴۳، ۳۴۸.

ذخائر پیامبران الهی علیهم السلام

تمام آنچه از ذخائر پیامبران علیهم السلام باقی مانده و اهل بیت علیهم السلام از یکدیگر به ارث برده‌اند نزد امام زمان علیه السلام موجود است:^۱
صندوقی از حضرت آدم علیه السلام،^۲ پیراهن حضرت ابراهیم علیه السلام، حله حضرت اسماعیل علیه السلام، نعلین حضرت شیث علیه السلام،^۳ پیراهن حضرت یوسف علیه السلام،^۴ که اهل ایمان در شرق و غرب عالم بوی آن را استشمام خواهند نمود.^۵ انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام،^۶ سنگ حضرت موسی علیه السلام.

در هر منزلی که حضرت مهدی علیه السلام با یارانش فرود آیند از آن سنگ چشمه‌ای بجوشد که گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب کند.^۷ عصای حضرت موسی علیه السلام نیز با آن حضرت است، این عصا در اصل از حضرت آدم علیه السلام بوده، و از شاخه آس بهشتی است، هنوز تر و تازه است، هرگاه بخواهند حرف می‌زند، هر دستوری به او داده شود انجام می‌دهد، و هر جا افکنده شود سحر و جادو را می‌بلعد، امام

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۶۱، ۴۹۴.

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۴۰.

۳. اثبات الهداة ۳: ۵۸۷.

۴. اثبات الهداة ۳: ۴۹۴.

۵. خرائج ۲: ۶۹۳، منتخب الانوار المضية ۱۹۹.

۶. اثبات الهداة ۳: ۴۷۸.

۷. همان ۴۴۰.

زمان علیه السلام نیز با او اعجاز خواهد نمود.^۱

حضرت کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهند آورد.^۲

اتفاق بنی فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: امام شما کسی است که تمام بنی فاطمه علیها السلام

به اتفاق او را قبول داشته باشند.^۳

هنگامی که سیاه جامه گان (پیروان ابومسلم) در خراسان قیام کردند، از امام صادق علیه السلام سؤال کردند نظر شما درباره قیام آنها چیست؟ حضرت فرمود: در خانه خویش بنشینید، هنگامی که دیدید ما (خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) همگی بر کسی اتفاق نظر داشتیم، با اسلحه به سوی ما بشتابید.^۴

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۳۹، ۴۷۸، ۴۹۴، ۵۴۰ - ۵۴۱، ۵۵۸، کمال الدین ۲: ۶۷۳.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۸.

۳. وسائل ۱۵: ۵۰، و مراجعه شود به: علل الشرائع ۲: ۵۷۷ - ۵۷۸، بحار ۴۶: ۱۷۸ و

۹۷: ۲۲، وسائل ۱۵: ۵۲ - ۵۴.

۴. غیبت شیخ نعمانی ۱۹۷، بحار ۵۲: ۱۳۹، مستدرک ۱۱: ۳۶.

شناخت علائم ظهور

چنانکه پیش از این اشاره کردیم علائم ظهور امام زمان علیه السلام در رسوا کردن مدعیان مهدویت نقش مهمی را ایفا می‌کند، و برای اهل ایمان کاملاً اطمینان‌بخش می‌باشد.

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر بر زمین قرار گیر، دست و پای تکان نده (از قیام و حرکت خوداری کن) تا علاماتی که می‌گویم به چشم خویش ببینی ... گرچه تو آن را درک نخواهی کرد ولی برای دیگران بازگو نما. (سپس حضرت پاره‌ای از علائم ظهور من جمله: ندای آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، را بیان کرده و فرمودند: هر چه بر مردم مشکل شود برای آنها شبهه‌ای نیست که امام زمان علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وارث پدران دانشمند خویش می‌باشد. اگر در این جهت هم برای آنها اشکالی پیش آید، ندای آسمانی که نام او و پدر و مادرش را ذکر می‌کند برای احدی ابهامی باقی نخواهد گذاشت.^۱

۱. مراجعه شود به: غیبت شیخ نعمانی ۲۷۹، غیبت شیخ طوسی ۴۴۱، اختصاص ۲۵۵، إعلام الوری ۴۵۷، الصراط المستقیم ۲: ۲۴۹، کشف الغمة ۲: ۴۵۹، منتخب الأنوار المضية

امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام پنج علامت وجود خواهد داشت: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیدا، کشته شدن نفس زکیه، خروج یمانی.

عرض کردم: اگر کسی از خاندان شما قبل از این علامات خروج کرد آیا ما با او قیام کنیم؟ فرمود: نه.^۱

خروج سفیانی

یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام قیام سفیانی است،^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: ای سدیر ملازم خانه خویش باش. مادامی که شب و روز آرام است آرام گیر، ولی هنگامی که شنیدی سفیانی خروج کرده است به سوی ما کوچ نما گرچه با پای پیاده.^۳ و همچنین فرمود: صاحب این امر (قیام) کسی است که سفیانی را می کشد.^۴

نام سفیانی عثمان، فرزند عنبسه و از نسل بنی امیه است، او مردی خبیث، بد صورت، آبله رو، سرخ (پوست)، بور، با چشمانی زاغ می باشد. آن قدر خبیث است که از ترس اینکه کنیزش او را معرفی

۱۷۴، تفسیر عیاشی ۱: ۲۴۴، الارشاد ۲: ۳۷۲، خرائج ۳: ۱۱۵۶-۱۱۵۷، بحار

۵۲: ۲۱۲، ۲۳۷-۲۳۹، ۲۶۹، وسائل ۱۵: ۵۶-۵۷، مستدرک ۱۱: ۳۷-۳۸.

۱. وسائل ۱۵: ۵۲.

۲. اثبات الهداة ۳: ۷۳۹.

۳. وسائل ۱۵: ۵۱، کافی ۸: ۲۶۴، بحار ۵۲: ۲۷۰، ۳۰۳.

۴. وسائل ۱۵: ۵۲-۵۳.

کند، او را زنده به گور می‌نماید.^۱

خروج او و خراسانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز می‌باشد،^۲ و تا او قیام نکند امام زمان علیه السلام نخواهند آمد،^۳ خروج او و خروج حضرت در یک سال واقع می‌شود.^۴ او در ماه رجب مبارزه خویش را از سرزمین یابس^۵ شروع می‌کند.^۶

پس از ندای آسمانی - که توضیح آن خواهد آمد - شیطان در آخر همان روز ندا می‌کند که حق با سفیانی و پیروان اوست و بدین ترتیب گروهی گمراه خواهند شد.^۷

او شش ماه می‌جنگد و بر دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین مسلط می‌شود، و بنابر اختلاف روایات هشت یا نه ماه حکومت خواهد کرد.^۸

او وارد کوفه خواهد شد و بر منبر کوفه بالا رود.^۹ منادی او در کوفه

۱. مراجعه شود به اثبات الهداة ۳: ۷۲۱، ۷۲۲.

۲. اثبات الهداة ۳: ۷۲۸.

۳. اثبات الهداة ۳: ۷۳۰.

۴. اثبات الهداة ۳: ۷۳۷.

۵. سرزمینی است بی آب و علف بین مکه و شام. (منتهی الآمال)

۶. اثبات الهداة ۳: ۷۳۹.

۷. اثبات الهداة ۳: ۷۲۲.

۸. مراجعه شود به اثبات الهداة ۳: ۷۲۲، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۳۹.

۹. اثبات الهداة ۳: ۷۲۱، ۷۳۲، در روایت سرزمین «ذات قرار و معین» است که بنابر آنچه از روایات و کلام مفسرین استفاده می‌شود مقصود کوفه است، مراجعه شود به تفسیر نورالثقلین ۳: ۵۴۴.

اعلام کند که : هر کس سر یکی از شیعیان را بیاورد جایزه دارد.^۱

خسف پیدا

امام رضا علیه السلام فرمود: تا آسمان از ندا و زمین از خسف (فرو بردن) لشکر ساکت و آرام است، شما هم آرام گیرید.^۲

سفیانی لشکری به سوی شام و لشکری به سوی مکه می فرستد، لشکر اول به دست یاران امام زمان علیه السلام شکست می خورند و لشکر دوم بین مکه و مدینه به سرزمینی به نام پیدا می رسد، خداوند جبرئیل را برای نابودی آنها می فرستاد، و جز دو یا سه نفر از آنها همگی را زمین فرو می برد.

افراد باقی مانده نابودی لشکر سفیانی را به دیگران اطلاع می دهند.^۳

قتل نفس زکیه

به فاصله پانزده روز قبل از ظهور حضرت، نوجوانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام محمد بن الحسن بین رکن و مقام به شهادت می رسد، در روایات از این علامت به قتل نفس زکیه یاد شده است.^۴

صیحة آسمانی

نداهای آسمانی که از مهم ترین علائم شناخت حضرت مهدی علیه السلام

۱. اثبات الهداة ۳ : ۷۲۹.

۲. وسائل ۱۵ : ۵۴-۵۵، بحار ۵۲ : ۱۸۹.

۳. بحار ۵۲ : ۲۲۰، ۲۳۸، ۳۰۸، ۳۴۲، ۱۸۱، ۱۸۶، ۲۰۳.

۴. بحار ۵۲ : ۱۹۲، اثبات الهداة ۳ : ۷۱۹-۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۱، ۷۳۵-۷۳۶.

و ظهور آن جناب است، سه مرتبه اتفاق خواهد افتاد: ماه رجب، ماه مبارک رمضان، و هنگام ظهور آن حضرت که بنا بر بعضی از روایات روز عاشورا می باشد.

اما ندای ماه رجب، امام هشتم علیه السلام - پس از آنکه از فتنه‌ای سخت و سردرگم در زمان غیبت خبر دادند که مردم هیچ ملجأ و پناهی در آن نخواهند داشت و مؤمنان اسفناک، اندوهناک، حیران و سرگردان باشند - فرمود: گویا می بینم در بدترین حال بسر می برند که ناگاه ندایی به گوش رسد که همگان از دور و نزدیک آن را می شنوند، رحمتی برای اهل ایمان و عذابی برای کافران خواهد بود. راوی پرسید: چه ندایی؟ حضرت فرمود: در ماه رجب سه ندا برآید:

۱. **ألا لعنة الله على الظالمين**، یعنی: لعنت خدا بر ستمگران.

۲. **ازفت الألفة یا معشر المؤمنین**، یعنی: ای اهل ایمان آنچه باید

نزدیک شود، نزدیک شده است.

۳. **بدنی در برابر قرص خورشید نمایان شود**، و ندایی به گوش

رسد که: این امیرمؤمنان است که برای نابودی ستمگران به دنیا برگشته است.

و مردم را به اطاعت از آن حضرت دعوت نماید. در آن زمان فرج

و گشایش فرا رسد و اموات آرزو کنند که ای کاش زنده بودند و آن

زمان را درک می کردند، خدا دل‌های اهل ایمان را (در آن زمان) شفا

خواهد داد (که انتقام خویش را از دشمنان می گیرند).^۱

اما ندای ماه رمضان، در شب جمعه بیست و سوم صیحه‌ای ترسناک از جبرئیل علیه السلام می باشد، و نام مبارک امام زمان علیه السلام را به گوش همه اهل عالم می رساند، از شدت ترس و وحشت آنهایی که خوابیده‌اند بیدار شوند، ایستاده‌ها می نشینند، نشسته‌ها بلند شوند و سرپا بایستند. در آخر همان روز ابلیس لعین فریاد برآورد که: بدانید عثمان مظلومانه کشته شده است، او می خواهد مردم را به شک و تردید انداخته و گمراه نماید، بسیاری از مردم از کلام او به شک و حیرت افتاده و جهنمی شوند، بدانید ندای اول از جبرئیل است. علامت آن هم این است که نام مبارک قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و نام پدر آن حضرت را اعلام می نماید به نحوی که دختران پرده‌نشین آن ندا را شنیده و پدران و برادران خویش را بریاری و خروج همراه آن حضرت تشویق نمایند.^۲

اما ندای هنگام ظهور، در روایات آمده است که هنگام ظهور حضرت ندای آسمانی بلند شود که نام مقدس حضرت را ذکر کند به نحوی که تمام اهل زمین بشنوند، و مردم را به یاری آن حضرت دعوت نماید و بگوید:

۱. مراجعه شود به غیبت شیخ نعمانی ۱۸۶، دلائل الامامه ۴۶۱، غیبت شیخ طوسی

۴۴۰، بحار ۳۶: ۳۳۸ و ۵۲: ۱۷۱، ۲۸۹، اثبات الهداة ۳: ۷۲۵-۷۲۶.

۲. مراجعه شود به بحار ۵۲: ۲۳۰، اثبات الهداة ۳: ۴۶۸، ۵۱۴، ۵۷۰، ۷۱۸، ۷۲۹، ۷۳۵.

حجت خدا در خانه خدا ظاهر شده است، از او پیروی کنید که حق با اوست.^۱

حق با او و شیعیان اوست.^۲

ای مردم زمان حکومت جباران و ستمگران به پایان رسید، و بهترین شخص از امت پیامبر ﷺ حکومت را به دست گرفته است، در مکه به او پیوندید.^۳

جبرئیل علیه السلام به صورت پرنده‌ای سفید ظاهر شود ... سپس فریاد زند: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾.^۴

البيعة لله یعنی: برای بیعت الهی حاضر شوید.^۵

شیخ حر عاملی رحمته الله پس از ذکر روایاتی در علائم ظهور می‌فرماید: روایاتی که در این زمینه وارد شده است به ویژه ندا و صیحه آسمانی به نام مبارک امام زمان علیه السلام بسیار زیاد است که از ترس طولانی شدن کتاب از ذکر آنها خوداری نمودم.^۶

۱. کمال‌الدین ۲: ۳۷۱، اعلام‌الوری ۴۳۴، کفایة الاثر ۲۷۴، کشف‌الغمه ۲: ۵۲۴، بحار

۵۲: ۳۲۱ و مراجعه شود به کفایة الاثر ۱۴۶، الصراط‌المستقیم ۲: ۱۵۳، ۲۳۰، ۲۵۹،

۲۶۱، کشف‌الغمه ۲: ۴۷۰، بحار ۳۶: ۳۳۳ و ۵۱: ۸۱ و ۵۲: ۳۷۹، اثبات‌الهداة ۳: ۷۱۹.

۲. اثبات‌الهداة ۳: ۷۱۸.

۳. اثبات‌الهداة ۳: ۵۵۱.

۴. اثبات‌الهداة ۳: ۵۷۴، و آیه شریفه در سوره النحل (۱۶)، آیه ۱.

۵. اثبات‌الهداة ۳: ۵۱۴.

۶. اثبات‌الهداة ۳: ۷۳۶. لازم به تذکر است که ایشان ۱۲۶ روایت در باب علائم ظهور

آورده، گذشته از روایاتی که متضمن علامات ظهور بوده و به صورت پراکنده در باب ۳۲

اهل بیت علیهم السلام برای این علامت اهمیت ویژه‌ای قائل شده و آن را از روشن‌ترین دلایل ظهور حضرت به شمار آورده‌اند و متذکر شده‌اند که: صدای اول از جبرئیل علیه السلام و از آسمان است که گوید:

ألا ان الحق مع علی و شیعته و یا: ان علیاً و شیعته هم الفائزون .

حق با علی علیه السلام و پیروان اوست یا علی علیه السلام و پیروان او رستگارند.

و صدای دوم از شیطان و از زمین است که گوید:

حق با عثمان - و بنا بر روایت دیگر: سفیانی - و پیروان اوست.

یا اینکه: عثمان و پیروان او رستگارند.^۱

نزول حضرت عیسی علیه السلام

در روایات شیعه و سنی با اسناد زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم آمده است که: حضرت عیسی علیه السلام - برای یاری حضرت مهدی علیه السلام -^۲ از آسمان فرود آید، و در نماز به آن حضرت اقتدا خواهد کرد.^۳

قرطبی که از دانشمندان بزرگ عامه است در کتاب التذکره باحوال الموتی و امور الآخرة نقل می‌کند که بعضی از دانشمندان ما گویند:

(مربوط به ولادت و امامت و غیبت آن حضرت) قبلاً نقل کرده است.

۱. اثبات الهداة ۳: ۴۵۱، ۵۰۲، ۵۳۵، ۵۵۲، ۵۶۷، ۵۸۲، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۵-۷۳۷.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۵.

۳. اثبات الهداة ۳: ۵۰۶، ۵۲۳-۵۲۴، ۵۶۷-۵۶۸، ۵۷۲، ۵۸۷، ۷۱۷-۷۱۸. روایات عامه ۵۹۱، ۵۹۶-۵۹۷، ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۳-۶۱۴، ۶۱۹، ۶۴۹.

روایات متواتره از پیامبر ﷺ درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه وارد شده است، این روایات دلالت دارد بر اینکه او از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و بر این امت امامت خواهد نمود و حضرت عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا خواهد نمود.^۱

ویژگی‌های یاران

گذشته از یاران فوق العاده آن حضرت چون جبرئیل،^۲ میکائیل،^۳ فرشتگان،^۴ جنیان،^۵ و بازگشت بعضی از اموات از اهل ایمان^۶ - که همه از امور شگفت‌انگیز است - در مورد یاران آن حضرت خصوصیات در روایات وارد شده است که می‌تواند راهی برای شناخت آنها باشد، از آن جمله:

یاران خاص - که حکام زمین در زمان آن حضرت خواهند بود - سی صد و سیزده نفر هستند که بدون قرار قبلی، همزمان از طریق طی الارض و غیره در مکه حاضر می‌شوند.^۷

هنگام ظهور آن حضرت صبحگاهان که مؤمن از خواب بلند

۱. اثبات الهداة ۳: ۶۲۱.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۴۸، ۴۹۲، ۵۱۴، ۵۲۷، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۷۴.

۳. اثبات الهداة ۵۲۷، ۵۸۳-۸۵۴.

۴. اثبات الهداة ۳: ۴۴۰، ۵۲۷، ۵۴۲، ۵۶۲.

۵. بحار ۵۳: ۸، ۱۴، ۳۵، ۸۷.

۶. اثبات الهداة ۳: ۴۴۹، ۵۱۵، ۵۵۰، ۵۷۳، ۵۷۴.

۷. مراجعه شود تفسیر آیه شریفه ﴿أَيُّنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ﴾ البقرة (۲): ۱۴۸، تفسیر نورالثقلین ۱: ۱۳۸-۱۳۹ و ۲: ۳۴۱.

می شود، نوشته‌ای زیر سر خود می‌بیند با این عنوان «طاعة معروفة».^۱
برای اصحاب آن حضرت شمشیرهایی از آسمان نازل شود که بر
هر یک نام یکی از آنها همراه با نام پدرش نوشته شده است.^۲
گیتی از وجود یاران آن حضرت پُر شود، و هر چیزی - حتی
حیوانات وحشی و پرندگان وحشی - مطیع و فرمان‌بردار آنها باشند.^۳

هنگام ظهور

یکی از راه‌های شناخت آن حضرت مطابقت داشتن برنامه عملی
و کلمات آن بزرگوار با پیشگویی‌های پدران معصومش علیهم‌السلام می‌باشد.
از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که: او را پرچمی است، هنگامی که زمان
قیام او فرا رسد خود به خود باز شود و به قدرت خدا به سخن درآید و
آن حضرت را ندا کند که:

«ای ولی خدا! بدر آی و دشمنان خدا را نابود ساز».

و هنگام خروج، شمشیر آن حضرت از غلاف بیرون آید و خدا او
را گویا سازد به این کلام که:

«ای ولی خدا! خروج کن که دیگر سکوت در برابر دشمنان خدا
روا نیست».

پس از آن خروج نماید و دشمنان خدا را - هر جا که بیاید - نابود

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۸۲، ۷۲۳.

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۴۲.

۳. اثبات الهداة ۳: ۴۹۴.

سازد، و حدود الهی را بپا دارد و احکام او را جاری سازد.^۱
امام باقر علیه السلام فرمود: اولین سخن آن حضرت این آیه مبارکه است
که: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲، سپس فرماید: من بقیة الله در
زمین و خلیفه و حجت خدا بر شما هستم.

هنگامی که ده هزار نفر یاران او جمع شوند، خروج نماید و هیچ
معبودی در زمین باقی نخواهد ماند - بت یا غیر آن - مگر آنکه آن را با
آتش بسوزاند و نابود نماید.^۳

درباره چگونگی ابتدای ظهور از امام باقر علیه السلام روایتی در مصادر
متعدد - با مضامین نزدیک به هم ولی با قدری زیاده و نقصان - آمده
است که گزیده‌ای از مجموع آنها تقدیم می‌شود.

حضرت با تکیه به خانه خدا^۴ ندا می‌دهد:

ای مردم! ما از خدا و از هر کس که به ما پاسخ مثبت دهد، یاری
می‌طلبیم. ما خاندان پیامبریم، ما سزاوارترین مردم به خدا و پیامبریم.
هر کس با من درباره حضرت آدم بحث کند، من سزاوارترین مردم به
آدم هستم.

و سپس همین تعبیر را درباره حضرات نوح، ابراهیم، موسی،

۱. کمال الدین ۲۶۸، خرائج ۲: ۵۵۱ و ۳: ۱۱۶۷، بحار ۳۶: ۲۰۸ و ۵۲: ۳۱۱،

و مراجعه شود به کمال الدین ۱۵۵، خرائج ۲: ۹۵۳، الصراط المستقیم ۲: ۱۵۵.

۲. هود (۱۱): ۸۶.

۳. کمال الدین ۳۳۱، ۵۲: ۱۹۲.

۴. و بنا بر بعضی از روایات: با تکیه به حجر.

عیسی، محمد ﷺ و (بقیه) پیامبران الهی ﷺ تکرار نموده، و می‌فرماید:

مگر خدا در آیات محکم خویش فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾؟!^۱

من باقی مانده از حضرت آدم، ذخیره نوح، ممتاز از (آل) ابراهیم و برگزیده از (خانندان) محمد ﷺ هستم.

هر کس با من درباره قرآن بحث کند، من از همه مردم به کتاب خدا سزاوارترم.

هر کس با من درباره سنت پیامبر ﷺ بحث کند، من از همه مردم به سنت آن حضرت سزاوارترم.

شما را به خدا، هر کس کلام مرا شنید به دیگران خبر دهد. از شما می‌خواهم به حق خدا و پیامبر و حق خودم - زیرا من بر شما حق دارم چون از اهل بیت پیامبرم - که ما را یاری کنید و در مقابل ظلم و ستم دشمنان ما ایستادگی نمایید.

دشمنان، ما (اهل بیت) را ترسانیدند، به ما ظلم و ستم کرده، ما و فرزندان ما را از شهر و دیارمان آواره کردند، و به حقوق ما تعدی و تجاوز نمودند، و حق ما را گرفتند، اهل باطل بر ما افترا بستند.

پس از آن حضرت در کنار مقام دو رکعت نماز گزارد و خدا را به حق خویش سوگند دهد.

سپس خدای تعالی اصحاب (ویژه) آن حضرت را که سی صد و سیزده نفر هستند - بدون قرار قبلی - جمع می‌کند و بین رکن و مقام با آنحضرت بیعت خواهند نمود.

برنامه بعدی حضرت آن است که مردم مکه را به کتاب خداوند و سنت پیامبر ﷺ دعوت نماید، و فقط از تعداد اندکی پاسخ مثبت بشنود، حاکمی را بر آنها بگمارد و از مکه بیرون رود، در بین راه خبر کشته شدن حاکم مکه به او رسد، او به مکه بازگشته و با جنگجویان مبارزه نموده و آنها را به قتل رساند ولی قدم از آن فراتر نهد و کار به اسیر گرفتن نمی‌کشد.

پس از آن مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و برائت و بیزاری از دشمنان او دعوت نماید، بدون اینکه نامی از دشمنان آن حضرت ببرد.

سپس آن حضرت به مدینه رود، قریش (از ترس) پنهان شوند تا آنکه آن حضرت حادثه‌ای بیافریند (اشاره به بیرون آوردن جنازه ابوبکر و عمر) که قریش گویند: بایستی با این طاغوت [العیاذ بالله!] مبارزه کرد، به خدا سوگند اگر او محمدی... علوی... فاطمی بود، دست به چنین کاری نمی‌زد.

حضرت با آنها مبارزه می‌کند، جنگجویان را می‌کشد و ذریه آنها را به اسارت می‌گیرد، پس از آن از مدینه خارج می‌شود هنگامی که به «شقره» می‌رسد خبر کشته شدن حاکم مدینه به او گزارش شود، حضرت به مدینه بازگردد و چنان کشتاری راه اندازد که واقعه حرّه در

برابر آن ناچیز باشد!

پس از آن مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و برائت و بیزاری از دشمنان او دعوت نماید.

حضرت باز از مدینه خارج شود، در بین راه به «ثعلبیه» رسد شخصی از سادات - که بسیار نیرومند و قوی دل باشد - با تعجب از آن حضرت می پرسد که: آیا این برنامه هایی که راه انداخته ای به دستور پیامبر ﷺ است یا دلیل دیگری دارد؟! حضرت عهد پیامبر ﷺ را بر او قرائت کند، و او پیشانی حضرت را بوسیده و با آن حضرت تجدید بیعت نماید.

حضرت به طرف نجف به راه افتد با بیش از سی صد نفر از یاران که دل هایی چون پاره های آهن دارند، در حالی که جبرئیل از طرف راست، میکائیل از طرف چپ، و پنج هزار ملائکه مسومین (فرشتگانی که علامت مخصوص داشتند و در جنگ بدر حاضر شدند) را نیز خدا به یاری آنها فرستاده، به سوی نجف حرکت کند، رعب و وحشت پیش و پس لشکر را تا مسیر یک ماه فرا گرفته است. هنگامی که به نجف اشرف دست پیدا کنند حضرت به آنها بفرماید که امشب را به عبادت مشغول باشید، همه به رکوع و سجود و تضرع و زاری پردازند. صبح هنگام به طرف نخيله به راه افتند، هنگامی که به مسجد حضرت ابراهیم علیه السلام رسند آن حضرت دو رکعت نماز گزارد، جمعی از سنیان و لشکر سفیانی به سوی آنها آیند و به

دست لشکر حضرت نابود شوند به نحوی که یک نفر از آنها هم جان سالم به در نبرد.

حضرت به کوفه آید، و لشکر خویش را به مبارزه با سفیانی فرا خواند، مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ دعوت نماید. گرچه سفیانی اول تصمیم گیرد که با حضرت رفتار مسالمت آمیز داشته باشد ولی بستگان مادریش مانع شوند.

او به مبارزه با حضرت پردازد ولی لشکر او نابود شود و خودش به اسارت درآمده و به قتل رسد.

سپس حضرت این سی صد و سیزده نفر را به اطراف زمین فرستد تا از طرف آن حضرت سرپرستی و حکومت بلاد را به عهده گیرند. در تمام زمین صدای شهادتین به گوش رسد، او از کسی جزیه نپذیرد. آن قدر مبارزه کنند تا توحید عالم را فرا گیرد و جایی برای شرک باقی نماند و (چنان امنیت در سرتاسر گیتی حکمفرما شود که) پیرزن ناتوانی از شرق عالم به غرب رود و کسی برای او مزاحمتی ایجاد نکند. زمین دانه هایش را ظاهر کند و آسمان بارش خویش را فرو ریزد، خدا آن قدر بر شیعیان توسعه دهد که اگر سعادت الهی شامل حال آنها نمی شد آنها هم طغیان می کردند.^۱

۱. اختصاص ۲۵۵، غیبت نعمانی ۱۸۱ - ۱۸۲، ۲۷۹ - ۲۸۲، تفسیر عیاشی ۲: ۵۶،

تفسیر قمی ۲: ۲۰۴، بحار ۵۲: ۲۳۷ - ۲۳۹، ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۴۱ - ۳۴۵، ۳۸۷.

وظایف نزدیک ظهور

در آخرین بخش این نوشتار به نقل روایاتی می‌پردازیم که در مورد تکالیف زمان نزدیک ظهور آن حضرت وارد شده است .

پنهان شدن از سفیانی

امام صادق علیه السلام فرمود: مردان خود را از سفیانی پنهان کنند ولی او با زنان کاری ندارد.^۱

تجهیز رزمندگان

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام نماید، واجب است که اسباب مبارزه و نبرد برادران دینی را مهیا کرده و آنها را تقویت نماید.^۲

یاری یمانی

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که یمانی خروج کند فروختن اسلحه حرام است. پرچم او پرچم هدایت است، به دنبال او روید، روا نیست

۱. بحار ۵۲: ۲۷۲.

۲. اثبات الهداة ۳: ۴۹۵.

که مسلمانی از یاری او دست بردارد، کسی که از این فرمان سرپیچی کند اهل آتش است. او مردم را به راه حق و صراط مستقیم (یعنی به یاری امام زمان علیه السلام) دعوت می‌کند.^۱

رفتن به مکه

و فرمود: از رفتن به مدینه خوداری نمایید؛ زیرا لشکر سفیانی به آنجا خواهد رفت. به مکه روید که محل اجتماع شما آنجاست.^۲
و باز از آن حضرت روایت شده است که: هنگامی که در شام آشوب شود از آنجا بگریزید که محل فتنه و کشت و کشتار است. راوی پرسید: کجا برویم؟ فرمود: بهترین مکان مکه است (که امام زمان علیه السلام از آنجا قیام می‌کند).^۳

در روایات متعدد آمده است: هنگامی که سفیانی خروج کند، شما به سوی ما بیایید.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که او بر بلاد پنجگانه مسلط شد، به سوی حضرت صاحب الامر علیه السلام کوچ کنید.^۵
در ضمن نداهای آسمانی گذشت که منادی ندا دهد: در مکه به او پیوندید.

۱. بحار ۵۲: ۲۳۲.

۲. بحار ۵۲: ۱۴۱.

۳. بحار ۵۲: ۲۷۱.

۴. کافی ۸: ۲۸۴، بحار ۵۲: ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳.

۵. بحار ۵۲: ۲۷۲.

شتاب در هر شرایطی

از بعضی روایات استفاده می‌شود که تحت هر شرایطی - هر چند سخت و ناگوار - بایستی به سرعت به سوی آن حضرت روانه شد، مثل تعبیر:

«فأسعوا إليه ولو حبواً».

یعنی به سوی او بشتابید اگر چه به نحو سینه‌خیز باشد (و مانند بچه‌ای که چهار دست و پا راه می‌رود).
و یا: «ائتوه ولو حبواً علی الثلج».^۱

نزد او روید حتی اگر به صورت چهار دست و پا بر روی برف باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: امام شما کسی است که تمام بنی فاطمه علیهم السلام به اتفاق او را قبول داشته باشند؛ در ماه رجب با نام خدا به سوی ما روی آورید، اگر خواستید تا شعبان هم تأخیر بیندازید اشکالی ندارد، بلکه می‌توانید روزه ماه مبارک را هم بین خانواده خود باشید شاید تجدید قوا نمایید.

در مورد علامت ظهور، خروج سفیانی کافی است.^۲
و فرمود: هنگامی که سفیانی خروج کرد شما با شتر سرکش و

۱. اثبات الهداة ۳: ۵۲۳، ۵۳۶؛ و مراجعه شود به ۴۶۸ و ۴۵۶.

۲. وسائل ۱۵: ۵۰، و مراجعه شود به: علل الشرائع ۲: ۵۷۷-۵۷۸، بحار ۴۶: ۱۷۸ و ۲۲: ۹۷، وسائل ۱۵: ۵۳-۵۴.

نافرمان یا فرمان بردار (یعنی با هر وسیله و مرکبی که برای شما امکان داشت) نزد ما بیایید.^۱

سپاسگزاری خداوند به جهت درک دولت کریجه

امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: خاندان من در میان امت مانند ستاره های آسمان هستند، هر ستاره ای پنهان شود ستاره دیگری طلوع کند... پس از آن روزگاری خواهد آمد که تشخیص امام و حجت از بین فرزندان حضرت عبدالمطلب علیه السلام امکان ندارد، آنگاه خداوند ستاره فروزان شما را برساند، پس سپاسگزار و شکرگزار خداوند باشید و آن حضرت را بپذیرید (و به او ایمان آورید).^۲

۱. بحار ۵۲: ۲۵۲.

۲. اثبات الهداة ۳: ۵۴۷؛ و مراجعه شود به ۴۴۰.

فهرست

بخش اول وظایف زمان غیبت

۱۴-۷۸

۹	پیشگفتار.....
۱۴	تمسک به امر اول.....
۱۷	تحفظ بر حب و بغض.....
۱۸	تمسک به ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۸	اقتدا به امامان معصوم <small>علیهم السلام</small>
۲۳	انتظار فرج.....
۳۳	تقیه.....
۳۵	کناره گیری از نااهلان، گمنام زیستن.....
۳۸	خانه نشینی.....
۴۰	حکم ذکر نام امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۱	تکذیب تعیین زمان خاص برای ظهور.....
۴۲	دعا و نیایش.....
۴۵	تقوی ، دینداری ، استقامت.....
۴۷	شناخت زمان.....
۵۵	امور مختلف.....
۵۵	تحفظ بر اعمال و آداب شرعی و.....
۵۶	تحفظ بر امر به معروف و نهی از منکر.....
۵۸	جهاد در زمان غیبت.....
۵۹	تقویت باطن.....
۶۰	دوری از شک و تردید.....
۶۱	جلوگیری از قساوت قلب.....
۶۱	ترجیح ناتوانی بر فخر فروشی.....
۶۲	مواسات برادران دینی.....
۶۳	گلایه نداشتن از خدا.....
۶۳	گول دنیا را نخور.....
۶۵	رسیدگی به درماندگان.....
۶۵	پرهیز از علمای سوء.....
۶۷	رجوع به راویان.....
۶۷	انس به کتب احادیث.....
۶۷	همدلی در وفاداری ، پرداخت حقوق.....

۶۸	امید به ظهور، فراموش نکردن حضرت
۷۱	غم فراق
۷۱	شوق دیدار
۷۲	حکمت غیبت

بخش دوم شناخت امام زمان علیه السلام ۷۹-۹۰

۸۰	روشن تر از خورشید
۸۰	نص بر امامت
۸۱	قدرت بر اعجاز و علم امامت
۸۳	اوصاف ظاهری
۸۵	فرزند پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۸۵	سلاح، زره و عهد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۸۷	رایت ظفر
۸۹	ذخائر پیامبران الهی <small>علیهم السلام</small>
۹۰	اتفاق بنی فاطمه <small>علیهم السلام</small>

بخش سوم: شناخت علائم ظهور ۹۱-۱۰۵

۹۲	خروج سفیانی
۹۴	خسف پیدا
۹۴	قتل نفس زکیه
۹۴	صیحه آسمانی
۹۸	نزول حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>
۹۹	ویژگی های یاران
۱۰۰	هنگام ظهور

بخش چهارم: وظائف نزدیک ظهور ۱۰۶-۱۰۹

۱۰۶	پنهان شدن از سفیانی
۱۰۶	تجهیز رزمندگان
۱۰۶	یاری یمانی
۱۰۷	رفتن به مکه
۱۰۸	شتاب در هر شرایطی
۱۰۹	سپاسگزاری خداوند به جهت درک دولت کریمه

السلام عليك يا صاحب الزمان

السلام على الحق الجديد ، والعالم الذي علمه لا يبید ،
السلام على محيي المؤمنين ، ومبیر الكافرين ،
السلام على مهدي الأمم ، وجامع الكلم ،
السلام على خلف السلف ، وصاحب الشرف ،
السلام على حجة المعبود ، وكلمة المحمود ،
السلام على معز الأولياء ، ومذل الأعداء ،
السلام على وارث الأنبياء ، وخاتم الأوصياء ،
السلام على القائم المنتظر ، والعدل المشتهر ،
السلام على السيف الشاهر ، والقمر الزاهر ، والتور الباهر ،
السلام على شمس الظلام ، وبدر التمام ،
السلام على ربيع الأنام ، ونصرة الأيام ،
السلام على صاحب الصمصام ، وفلاق الهام ،
السلام على صاحب الدين المأثور ، والكتاب المسطور ،
السلام على بقیة الله في بلاده ، وحجته على عباده، المنتهي إليه مواريث الأنبياء،
ولديه موجود آثار الأصفياء، المؤتمن على السر ، والولي للأمر.
السلام على المهدي الذي وعد الله عزوجل به الأمم ، أن يجمع به الكلم ، ويلمّ به
الشعث، ويملاّبه الأرض قسطا وعدلا ، ويمكن له ، وينجز به وعد المؤمنين .
أشهد يا مولاي أنك والائمة من آبائك أئمتي وموالي في الحياة الدنيا ويوم يقوم الأشهاد.
أسألك يا مولاي أن تسأل الله تبارك وتعالى في صلاح شأني ، وقضاء حوائجي ،
وغفران ذنوبي ، والأخذ بيدي في ديني ودنياي وآخرتي لي ولأخواني وأخواتي
المؤمنين والمؤمنات كافة ، إنه غفور رحيم .